



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

# تحلیل‌های اقتصادکلان: ۱- تورم و راهکارهای مهار آن



آبان ۱۴۰۳

شناسنامه گزارش



عنوان:

تحلیل‌های اقتصاد کلان:  
۱- تورم و راهکارهای مهار آن

مدیریت پژوهش‌های اقتصادی

تهیه کننده: جواد طاهرپور

اظهار نظر کنندگان: حجت میرزایی، شیما حاجی نوری، زهرا ذبیحی

تاریخ انتشار: آبان ۱۴۰۳

واژه‌های کلیدی: تورم، ارز، انتظارات تورمی، سیاست‌های پولی و مالی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵



## فهرست مطالب

۵	خلاصه مدیریتی
۸	مقدمه
۹	۱- پول و تورم
۱۰	۲- انتظارات و عملکرد اقتصادی
۱۲	۳- پدیده تورم در ایران و چرایی آن
۲۲	۴- تجربه کشورها در کنترل تورم
۲۴	۵- نگاه برنامه هفتم به تورم
۳۲	۶- راهکارهای مهار تورم
۳۹	۷- جمع بندی
۴۲	منابع



## خلاصه مدیریتی

تورم مثل سرطان کل سیستم اقتصادی یک جامعه را به هم می‌ریزد و مانع از کارایی سیستم می‌شود. تورم علاوه بر آنکه فعالیت‌های سوداگرانه، فرار سرمایه، فقر، بیکاری و... را افزایش می‌دهد، منجر به نابودی تولید، سرمایه‌گذاری و... نیز می‌شود و می‌تواند تا مرحله بحران اقتصادی پیش برود. متأسفانه اقتصاد ایران در طول دهه‌های اخیر و به خصوص دو دهه اخیر تورم‌بالایی را تجربه کرده است به طوری که متوسط نرخ تورم در طول چهار دهه اخیر حدود ۲۰ درصد بوده است. در چنین فضایی صحبت از اهداف سرمایه‌گذاری و تولید و همچنین کنترل فقر و نابرابری خیالی بیش نخواهد بود.

در توضیح رابطه بین نقدینگی و تورم باید گفت؛ تصور اکثر اقتصاددانان بر این است که تورم ایران یک پدیده پولی است و با کنترل عرضه پول می‌توان تورم را مهار کرد. به هیچ وجه نمی‌توان تورم را بدون پول را منکر شد اما هر همبستگی بین عرضه پول و تورم به معنای علت بودن پول برای تورم نیست، بلکه عوامل دیگری جز پول نیز مؤثر است. منحصر کردن علت تورم فعلی ایران به رشد نقدینگی، دادن آدرس غلط به مخاطب است و اشارات سیاستی آن بسیار پرمخاطره خواهد بود. باید توجه داشت؛ علی‌رغم اینکه همه تورم ایران به خصوص در شرایط فعلی را نمی‌توان با نقدینگی تشریح نمود، اما به هر حال بخشی از تورم مزمّن و پایدار اقتصاد ایران مربوط به رشد نقدینگی است که ریشه این رشد را باید در بزرگ بودن دولت و تحمیل هزینه‌های بی‌شمار بر بودجه دولت، تامین مالی کسری‌های بودجه ساختاری از طریق مکانیزم خلق پول، نبود یک نظام بودجه‌ریزی کارا مبتنی بر قواعد مشخص و شفاف، سلطه مالی و عدم استقلال بانک مرکزی و ... جستجو کرد.

در شرایط فعلی اقتصاد ایران، این پرش‌های بی‌سابقه نرخ ارز است که موتور محرکه تورم‌های لجام‌گسیخته اخیر بوده است. چنانچه نرخ رشد دلار را در کنار نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی قرار دهیم، همبستگی بالای افزایش نرخ ارز و تورم به خصوص برای سال‌های توأمان با بی‌ثباتی سیاسی-اقتصادی و تحریم قابل مشاهده است. تحت این شرایط متناسب با تغییرات نرخ ارز، قیمت‌ها بالا می‌رود و عرضه پول و پایه پولی به تناسب آن رشد می‌کند. در واقع جهت‌علیت به جای اینکه از پایه پولی و نقدینگی به تورم باشد از نرخ ارز به تورم و از تورم به نقدینگی و سپس پایه پولی است.

تحلیل رایج در مورد شکل‌گیری انتظارات عقلایی آن است که انتظارات نسبت به متغیرهای اثرگذار بر قیمت در طرف عرضه و تقاضا به خصوص نقدینگی است که انتظارات قیمتی و تورم را شکل می‌دهد و شوک‌های تصادفی عرضه و تقاضا جایگاه خاصی در شکل‌دهی انتظارات نداشته چون تصادفی بوده و میانگین انتظاری آنها صفر است؛ اما اگر عوامل اقتصادی همواره در انتظار شوک‌های منفی طرف عرضه

باشند و آن را در تحلیل‌های خود وارد نمایند، شوک‌های عرضه و تقاضا دیگر تصادفی تلقی نشده و انتظارات تورمی ناشی از شوک‌های عرضه و تقاضا در کنار انتظارات عرضه پول بر تورم اثرگذار خواهد بود. با توجه به مطالب فوق دیگر نمی‌توان به راحتی گفت با کنترل نقدینگی می‌توان تورم را کنترل کرد. چون در شرایط بی‌ثباتی ارزی، خود نقدینگی معلول و نه علت است.

در باب برنامه هفتم و مسئله تورم باید گفت اگرچه در ظاهر این برنامه به مسئله تورم پرداخته است، اما نگاه حاکم بر آن نگاه پولی به مسئله تورم است. در واقع فرض بر این است که با مدیریت نقدینگی و برخی اصلاحات در نظام بانکی و بودجه دولت نقدینگی و به تبع آن تورم را کنترل کرد؛ این در حالی است که تورم فعلی ایران چندان ریشه پولی ندارد و کنترل انتظارات و نرخ ارز مهم‌ترین چالش کاهش تورم است.

نکته قابل ذکر این است که با توجه به فشارهای وارده بر اقتصاد ایران به واسطه تحریم و انتظارات منفی و آسیب شدید تولید و سرمایه‌گذاری و از طرفی توفیق نه چندان موفق سیاست‌های کنترل نقدینگی، بهتر است در شرایط تحریم چندان روی سیاست‌های انقباضی شدید به خصوص در مورد اعتبارات و تسهیلات تمرکز نکرد و سعی نمود به جای آن با مدیریت تورم و ثبات تورم، **تولید را به حرکت درآورد. در شرایط فعلی اجرای سیاست‌های پولی و مالی می‌بایست ثبات تورم و نه چندان کاهش تورم را در الویت قرار دهد و نمی‌توان انتظار داشت با اجرای برخی سیاست‌های پولی و مالی تورم کاهش قابل توجهی را تجربه کند.** اگر تحریم‌ها رفع شود سیاست‌های پیشنهادی مذکور می‌تواند تورم بلندمدت و ماندگار کشور را کاهش داده و آن را به سطوح تک رقمی سوق دهد. اما اگر تحریم‌ها رفع نشود، سیاست‌های مذکور بدون کاهش چندان در تورم بر تولید و سرمایه‌گذاری فشار وارد نموده و کشور هم تورم و هم رکود را تجربه خواهد کرد. بنابراین بهتر است در این شرایط روی رشد اقتصادی و مدیریت و ثبات بخشی به تورم تمرکز کرد تا سیاست‌های انقباضی شدید و تحمیل رکود.

اهم سیاست‌هایی که می‌توان در شرایط فعلی با شدت کم و بعد از رفع تحریم‌ها با شدت زیاد دنبال کرد به شرح زیر می‌باشند. سیاست‌های مذکور اگرچه می‌تواند تورم پایدار اقتصاد ایران که در شرایط غیرتحریمی نیز برقرار بوده را کنترل و کاهش دهد، ولی در شرایط فعلی در بهترین حالت اندکی (در نهایت بین ۵ تا ۱۰ درصد) می‌تواند تورم را کاهش دهد و اصرار بیش از حد بر آنها می‌تواند رکود را بر بخش تولید و سرمایه‌گذاری غالب می‌کند. در شرایط غیر تحریمی سیاست‌هایی مذکور می‌تواند میانگین تورم بلندمدت اقتصاد ایران را کاهش دهد و سطح تورم پایدار تک رقمی را برای اقتصاد ایران به ارمغان بیاورد.



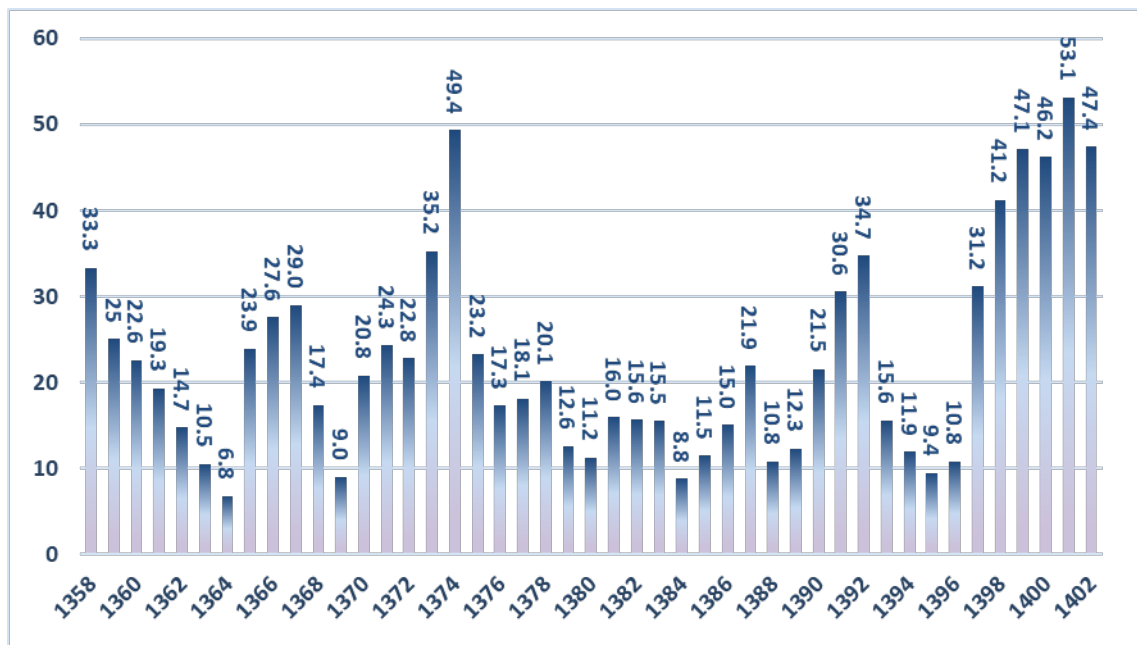
- مدیریت انتظارات و نرخ ارز
- کنترل پول و نقدینگی
- اصلاحات ساختاری
  - اصلاح نظام بانکی
  - اصلاح ساختار بودجه
  - رفع انحصارات
- جلوگیری از شوک درمانی‌ها



## مقدمه

تورم در چند دهه اخیر در اقتصاد ایران به یک پدیده ماندگار تبدیل شده است و از نظر اندازه و شدت هم با کشورهای پیشرفته، شمال آفریقا و خاورمیانه قابل مقایسه نیست و کیفیت آن هم طوری است که بسیار نامتناسب عمل می‌کند و روز به روز تخصیص منابع را بدتر و توزیع درآمد را به زیان طبقات متوسط و پایین و عوامل مولد بدتر می‌سازد و همه افق‌های تصمیم‌گیری اقتصادی را کوتاه ساخته و موجب یأس و نااطمینانی جامعه و فرار سرمایه و مغزها شده است. در اقتصاد، تورم صرفاً به عنوان یک بیماری شناخته نمی‌شود بلکه از آن به عنوان سرطان یاد می‌شود. این تشبیه از آن جهت است که همانند سرطان که تک تک سلول‌ها و کل سیستم ایمنی بدن را درگیر می‌کند و مانع کارکرد درست و صحیح اجزای بدن می‌شود، تورم نیز کل سیستم اقتصادی یک جامعه را به هم می‌ریزد و مانع از کارایی سیستم می‌شود. تورم علاوه بر آنکه فعالیت‌های سوداگرانه، فرار سرمایه، فقر، بیکاری و... را افزایش می‌دهد، منجر به نابودی تولید، سرمایه‌گذاری و... نیز می‌شود و می‌تواند تا مرحله بحران اقتصادی پیش برود. این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که تورم موجود در اقتصاد به صورت پایدار و مداوم باشد و چندین سال در فضای اقتصادی جامعه حکم‌فرما باشد.

نمودار ۱- میزان تورم ایران در طی ۴۴ سال گذشته



میزان تورم در ایران در طی ۴۴ سال گذشته، به طور میانگین حدود ۲۰ درصد بوده است. لذا در اقتصادهایی با تورم ۲۰ درصد، صحبت کردن از تولید، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و غیره عملاً بیهوده و نامتعارف است. در اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۶ آمار جمعیت زیر خط فقر (فقر غذایی) بر اساس برآوردهای وزارت رفاه، در حدود ۱۸ میلیون نفر بوده، ولی به دلیل تورم و شوک‌های سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، این آمار به بیشتر از ۲۶ میلیون در انتهای سال ۱۳۹۸ رسیده است. مطابق با آخرین آمار موجود، تا پایان سال ۱۴۰۰ در حدود ۳۲ میلیون نفر در زیر خط فقر (فقر غذایی) قرار دارند و این روند همچنان به واسطه تورم شدید چند سال اخیر به سرعت در حال گسترش است.

## ۱- پول و تورم

در ادبیات اقتصادی، نظریات تورم در ۳ طبقه دسته‌بندی می‌شوند که عبارتند از: فشار تقاضا (نظریه پولی تورم)؛ نظریه فشار هزینه؛ و نظریه ساختاری. نظریه پولی، علت تورم را در فشار تقاضا و بخصوص در پول می‌داند. چنانکه از نظر میلتون فریدمن<sup>۱</sup>، تورم صرفاً یک پدیده پولی است و سایر عوامل اثری کوتاه‌مدت و گذرا دارند. نظریه فشار هزینه، علت تورم را در شوک‌های انرژی و شوک‌های منفی طرف عرضه بررسی می‌کند. در نظریه ساختاری نیز، ویژگی‌های ساختاری اقتصاد (از قبیل قدرت قیمت‌گذاری، انحصار، ساختار بودجه و غیره) عامل اصلی در ایجاد تورم مطرح می‌شوند.

در کنار بررسی نظریات تورم، موضوع برون‌زایی و درون‌زایی پول نیز اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. برون‌زایی پول، به این معناست که کنترل عرضه پول در اختیار بانک مرکزی است و بانک مرکزی با کنترل پایه پولی یا پارامترهای ضریب تکاثر پولی، می‌تواند در شرایط متفاوت عرضه پول را کاهش یا افزایش دهد. مطابق با نظریات تورمی مبتنی بر برون‌زایی پول که معروف‌ترین آن‌ها نظریه پولی فریدمن است، پول عامل اصلی در تغییرات تولید، قیمت و تورم است. از دید نظریه درون‌زایی پول که تاریخچه آن به دوره اقتصاددانان کلاسیک (قبل از کینز<sup>۲</sup> و فریدمن) و کلاسیک جدید (مکتب چرخه‌های حقیقی تجاری<sup>۳</sup>) برمی‌گردد، پول به‌صورت درون‌زا تغییر می‌کند و نظام پولی و بانک مرکزی همراهی و دنباله‌روی می‌کنند. ایشان تأکید دارند که تورم و تغییرات قیمت، منجر به ورود بیشتر پول به چرخه اقتصاد می‌شود و عملاً پول به‌صورت درون‌زا و متناسب با تحولات اقتصادی تغییر می‌کند. لذا پول به‌صورت درون‌زا تغییرات قیمت و تورم را پوشش می‌دهد.

مباحث فوق را می‌توان با استفاده از نظریه مقداری پول نیز تجزیه و تحلیل نمود. نظریه مقداری

1- Milton Friedman

2- Keynes

3- Real Business Cycles

پول به دو شیوه بیان می‌شود: در شیوه اول، این مفهوم به صورت اتحاد ( $MV=PY$  یا  $PY=MV$ ) بیان شده است که بین طرفین معادله تساوی برقرار بوده و در آن جهت علیت مطرح نیست. رابطه حسابداری فوق، در بین همه نظریات مورد تأکید قرار گرفته است و اختلافی درباره آن وجود ندارد. این رابطه بیشتر همبستگی بین پول، قیمت‌ها و تولید (وجود همبستگی بالا بین رشد نقدینگی و تورم) را مورد تأکید قرار می‌دهد. در شیوه دوم رابطه رفتاری پول مورد بررسی قرار می‌گیرد که اختلافات زیادی بین نظریه‌پردازان اقتصاد به همراه داشته است. پول‌گرایان جهت علیت را از پول به سمت تورم تعریف می‌کنند که رابطه فوق را به شکل ( $P=MV/Y$ ) تغییر می‌دهد. این رابطه بیانگر آن است که تغییرات عرضه پول، متناسب با سرعت گردش پول و میزان تولید، بر روی قیمت‌ها اثرگذار است. تساوی برقرار شده در رابطه اخیر همان تساوی موجود در رابطه  $MV=PY$  است با این تفاوت که جهت علیت را نیز مدنظر قرار می‌دهد. از دید ساختارگرایان و طرفدارن مکتب چرخه‌های حقیقی تجاری (RBC)، جهت علیت از تولید و تورم به سمت پول است و لذا تغییرات قیمت و تولید متناسب با سرعت گردش پول، عرضه پول را تغییر می‌دهد. در این نظریه که به آن نظریه «خلق پول از هیچ» نیز گفته می‌شود رابطه مقداری به شکل ( $M=PY/V$ ) بازنویسی می‌شود. برداشت صحیح از تساوی‌های فوق بسیار دارای اهمیت است و بعضاً این روابط به همان رابطه حسابداری و اتحاد  $MV=PY$  تقلیل داده می‌شود، لذا تورم (تورم ایران) را یک پدیده پولی در نظر می‌گیرند. در حالی که می‌بایست جهت علیت نیز مورد توجه قرار گیرد، چراکه هر حرکت هم‌جهت  $M$  با  $P$ ، لزوماً به این معنا نیست که جهت علیت از سمت پول به تورم است.

## ۲- انتظارات و عملکرد اقتصادی

تصور اکثر اقتصاددانان بر این است که تورم ایران یک پدیده پولی است و با کنترل عرضه پول می‌توان تورم را مهار کرد. کسی منکر تورم‌زا بودن پول نیست، اما هر همبستگی بین عرضه پول و تورم به معنای علت بودن پول برای تورم نیست، بلکه عوامل دیگری جز پول نیز مؤثر بوده و علیت از سمت تورم به پول را منتج می‌شود. لذا باید تمام جوانب و ابعاد این موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد (شاکری، ۱۴۰۲). همواره بین اقتصاددانان یکی از مهم‌ترین مباحثی که مطرح بوده، نحوه شکل‌گیری انتظارات تورمی و اثرگذاری سیاست‌های تحت آن بوده است. در ادامه این موضوع با جزئیات بررسی می‌شود.

### ۲-۱- انتظارات تورمی: انتظارات تطبیقی و انتظارات عقلایی

انتظارات تطبیقی که از ایده‌های فریدمن گرفته شده است، گذشته‌نگر بوده و انتظارات را تابعی از قیمت‌های گذشته می‌داند، لذا میانگینی از قیمت‌های گذشته را در تصمیم‌گیری‌ها دخیل کرده و به اطلاعات آینده توجه چندانی نمی‌شود. این ایده فریدمن بر روی کاغذ و در یک اقتصاد پایدار<sup>۱</sup>، قابل پذیرش است اما در

اقتصادی که به صورت مداوم چرخه‌های تجاری را تجربه می‌کند و یا با شوک‌های اقتصادی مواجه است (اقتصاد غیرپایدار)، قابل استفاده نیست. برخلاف انتظارات تطبیقی، انتظارات عقلایی آینده‌نگر است و بیان می‌کند که عوامل و کنش‌گران اقتصادی از همه اطلاعات گذشته و حال برای پیش‌بینی قیمت استفاده می‌کنند. برخلاف انتظارات تطبیقی که انتظارات قیمتی را مطابق با قیمت‌ها شکل می‌دهد، مطابق با نظریه انتظارات عقلایی، قیمت عملاً متناسب با انتظارات عوامل اقتصادی شکل می‌گیرد. نکته کلیدی در نظریه انتظارات عقلایی آن است که قیمت از انتظارات عوامل اقتصادی شکل می‌گیرد و قیمت آنچه خواهد شد که عوامل اقتصادی انتظار دارند.

## ۲-۲- انتظارات تورمی و عملکرد اقتصادی

تحلیل رایج در مورد شکل‌گیری انتظارات عقلایی آن است که انتظارات نسبت به متغیرهای اثرگذار بر قیمت به خصوص رشد پول و نقدینگی است که انتظارات قیمتی را شکل می‌دهد و شوک‌های عرضه و تقاضا حالت تصادفی داشته و تأثیری به شکل‌دهی انتظارات قیمتی و به تبع آن تورم ندارند. اما اگر شوک‌های عرضه و تقاضا قابل پیش‌بینی باشند و تداوم داشته باشند، دیگر تصادفی نبوده و به عنوان یک متغیر توضیحی در شکل‌دهی انتظارات نقش بازی می‌کنند. بنابراین عوامل اقتصادی برای تحلیل پیش‌بینی تورم، شوک‌های طرف عرضه و تقاضا را نیز در کنار سیاست‌های عرضه پول در نظر می‌گیرند و همه این مولفه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. لذا انتظارات قیمتی تابعی مثبت از انتظارات عرضه پول و شوک‌های تقاضا و تابعی منفی از شوک‌های طرف عرضه می‌باشد. بنابراین اگر عوامل اقتصادی همواره در انتظار شوک‌های منفی طرف عرضه باشند و آن را در تحلیل‌های خود وارد نمایند، انتظارات تورمی آن‌ها بزرگ‌تر از انتظارات عرضه پول خواهد بود. در اقتصادهای پیشرفته که شوک‌های طرف عرضه و تقاضا وجود ندارد یا بسیار کم و ناچیز هستند، می‌توان این شوک‌ها را نادیده گرفت که در این صورت، انتظارات تورمی با انتظارات عرضه پول برابر خواهد شد؛ اما در اقتصاد ایران که همواره شوک‌های شدید طرف عرضه و تقاضا وجود دارد، نباید تأثیرات این شوک‌ها را نادیده گرفت. در اقتصاد ایران و در طی دو دهه اخیر، شاهد چندین شوک اقتصادی بوده‌ایم: شوک قیمتی سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷، شوک قیمتی سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ و شوک قیمتی سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲. پس لازم است که تأثیرات این شوک‌ها در مدل لحاظ گردد.

اکنون سوال مهمی که مطرح می‌گردد این است که اگر شوک‌های عرضه و تقاضا منجر به تورم می‌شوند، نقدینگی پوشش‌دهنده آن چگونه تأمین می‌شود؟ درون‌زایی پول این مهم را تحقق می‌بخشد. قیمت‌ها بالا می‌رود و عرضه پول و پایه پولی به تناسب آن رشد می‌کند. شکلی از نظریه مقداری که این را پوشش می‌دهد به شکل  $M = PY/VM = PY/V$  نگارش می‌شود.

### ۳- پدیده تورم در ایران و چرایی آن

قبل از ارائه پیشنهادات در خصوص کنترل هر پدیده منفی اقتصادی باید درک درستی از عوامل ایجاد کننده آن داشت چون در غیر این صورت راهکارهایی مطرح می‌شود که تناسبی با ماهیت آن پدیده نداشته و در نهایت بهبود جزئی یا تداوم آن پدیده، و چه بسا بدتر شدن آن را موجب می‌شود. تصور اکثر اقتصاددانان بر این است که تورم ایران یک پدیده پولی است و با کنترل عرضه پول می‌توان تورم را مهار کرد. به هیچ وجه نمی‌توان تورم را بدون پول را منکر شد اما هر همبستگی بین عرضه پول و تورم به معنای علت بودن پول برای تورم نیست، بلکه عوامل دیگری جز پول نیز مؤثر بوده و علت از سمت تورم به پول را منتج می‌شود. لذا باید تمام جوانب و ابعاد این موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

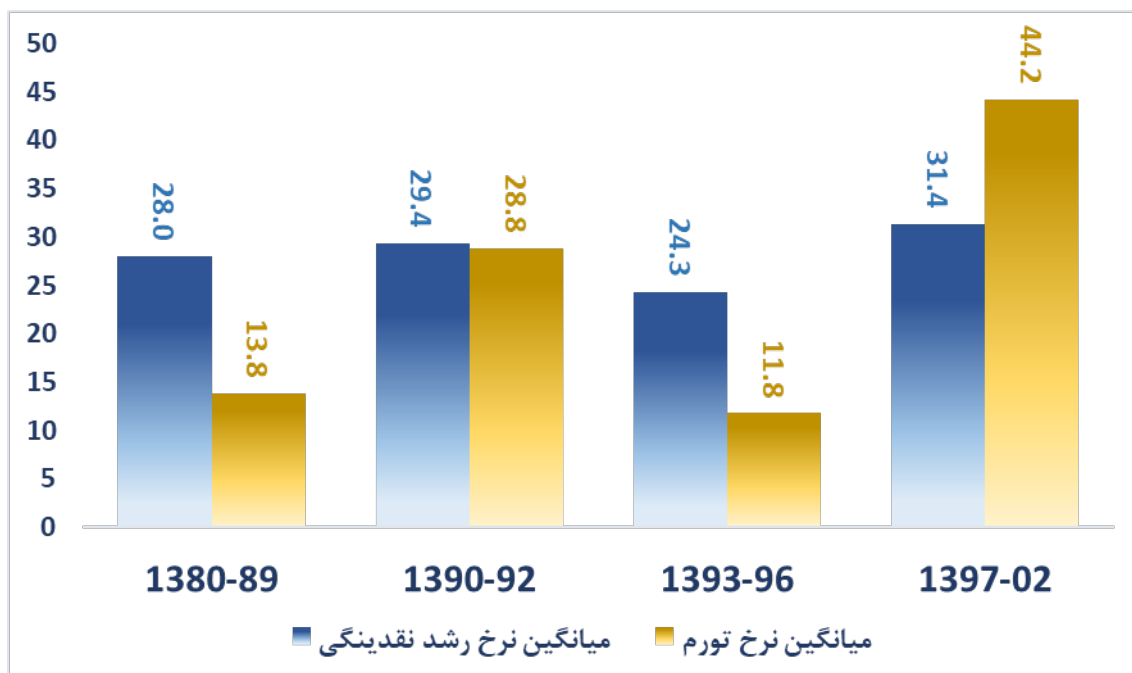
#### ۳-۱- نقدینگی و تورم

مکتب پولی تورم را عمدتاً یا منحصراً پولی توصیف می‌کند و معتقد است وقتی نقدینگی و پول افزایش می‌یابد نسبت به قبل پول‌های بیشتری در دست آحاد جامعه قرار می‌گیرد به طوری که موجودی پولی‌شان از موجودی بهینه قبلی بیشتر می‌شود و برای اینکه از این مازاد پول خلاص شوند کالا تقاضا می‌کنند؛ از آنجا که طبق فرض آنها اقتصاد در اشتغال کامل قرار دارد و کالای مازادی نیست که به مردم فروخته شود، متناسب با افزایش پول و به تبع آن افزایش تقاضا، قیمت‌ها افزایش می‌یابد. طبق این نظریه پول برون‌زاست و سرعت گردش پول ثابت و تقاضای پول هم باثبات است. اما بحث ما در مورد اقتصاد ایران این است که نه سرعت گردش پول ثابت است نه تقاضای پول با ثبات است و جنبه درون‌زایی پول هم در سال‌های گذشته تقویت و تشدید شده است (شاگری، ۱۴۰۲). علاوه بر این ۸۰ درصد نقدینگی ما سپرده‌های پس‌اندازی (شبه پول) است و تنها ۲۰ درصد آن پول است و ۷۴ درصد این سپرده‌ها مربوط به یک درصد سپرده‌گذاران است. آیا با این وضعیت وقتی هر سال مقدار زیادی به نقدینگی کشور اضافه می‌شود این مقدار اضافی بطور متناسب در دستان عامه مردم قرار می‌گیرد که موج تقاضا ایجاد کند؟! از این گذشته در ۶ سال گذشته تولید ناخالص ملی حقیقی تقریباً ثابت بوده اما قدرت خرید مردم به شدت کاهش یافته است. وقتی طی این سال‌ها کاهش قدرت خرید مردم انباشت شده است و حقوق و دستمزدها متناسب با تورم بالا نرفته است، تورم جاذبه تقاضا موضوعیت ندارد (شاگری، ۱۴۰۲).

مطابق با نمودار (۲)، اگر دوره ۱۴۰۱-۱۳۸۰ به چهار دوره (سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹، سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ و سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲) تقسیم گردد، مشاهده می‌شود که در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ که تحریمی علیه ایران وضع نشده بود، نرخ رشد نقدینگی بیش از ۲ برابر رشد تورم بوده است. همچنین در طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ که تحریم‌های اعمال شده علیه ایران لغو شدند، نرخ رشد نقدینگی بیش

از ۲ برابر رشد تورم بوده است. این در حالی است که همبستگی بین نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم در طی سال‌های ۹۲-۱۳۹۰ و ۱۴۰۲-۱۳۹۷ بسیار بیشتر از دو دوره فوق است. این امر نشان می‌دهد که تغییرات تورم تنها ناشی از تغییرات عرضه پول نبوده و عوامل دیگری نیز در این امر دخیل هستند.

#### نمودار ۲- مقایسه میانگین نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی در چهار دوره مختلف



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

برخی استدلال می‌کنند که علت این شکاف، زمان‌بر بودن اثرگذاری عرضه پول است و تأثیرات عرضه پول پس از چند سال و به صورت فشرده شده آزاد می‌شود. در پاسخ به این استدلال باید گفت، اگرچه تخلیه اثرات عرضه پول در روند عادی اقتصاد، چند دوره (دوره‌های فصلی) طول می‌کشد اما نه چند سال و بنابراین این گفته که تأثیرات عرضه پول پس از چند سال و به صورت فشرده شده آزاد می‌شود صحیح و منطقی نیست و علت شکاف را باید در جای دیگر جست.

علی‌رغم اینکه همه تورم ایران به خصوص در شرایط فعلی را نمی‌توان با نقدینگی تشریح نمود اما به هر حال بخشی از تورم مزمّن و پایدار اقتصاد ایران مربوط به رشد نقدینگی است که ریشه این رشد را باید در موارد زیر جستجو کرد:

- بزرگ بودن دولت و تحمیل هزینه‌های بی‌شمار بر بودجه دولت
- وابستگی دولت به درآمدهای ارزی نفت و عدم توانایی فروش ارزهای نفتی توسط بانک

## مرکزی

- تعریف وظایف بیش از حد توان دولت در ایران
- تأمین مالی کسری های بودجه ساختاری از طریق مکانیزم خلق پول یا به عبارتی پولی کردن کسری بودجه
- نبود یک نظام بودجه‌ریزی کارا مبتنی بر قواعد مشخص و شفاف
- سلطه مالی و عدم استقلال بانک مرکزی
- ضابطه‌مند نبودن استفاده از ذخایر بانک مرکزی توسط بانک‌ها و رفع ناترازی‌ها با تکیه بر منابع بانک مرکزی
- قابلیت خلق درون‌زا پول اعتباری توسط بانک‌ها
- تعامل و همراهی بانک‌ها با بخش‌های نامولد اقتصاد
- فقدان الگوی نظارتی کارا

## ۳-۲- نرخ ارز و تورم

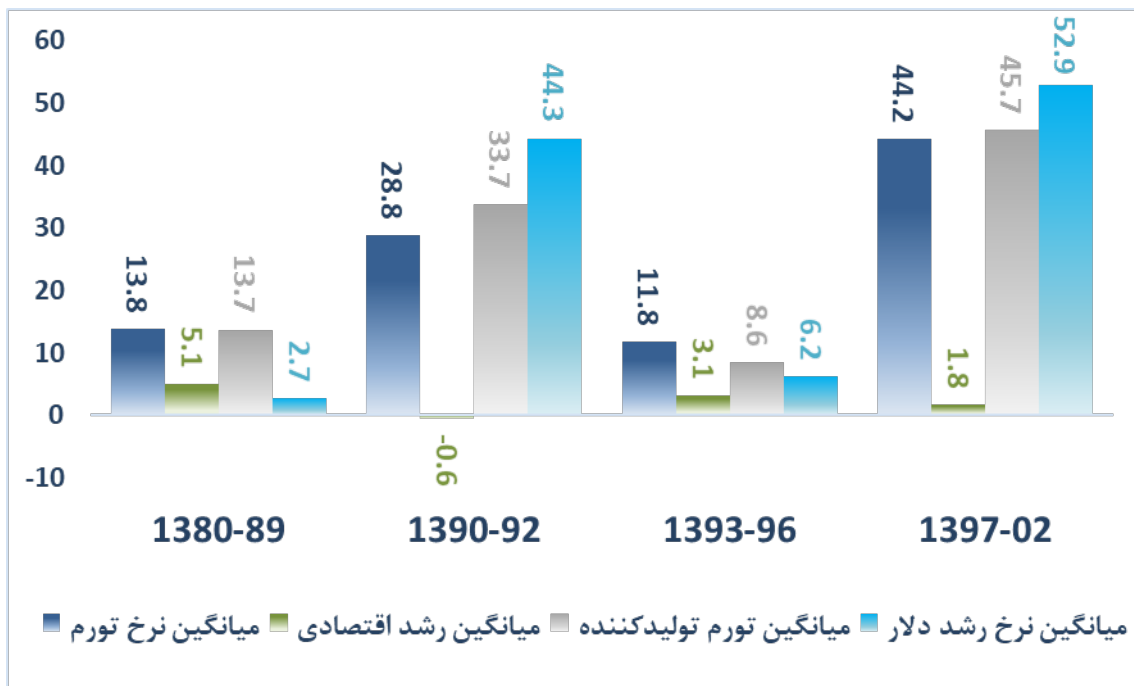
همان‌طور که در بخش قبل تشریح شد، منحصر کردن علت تورم فعلی ایران به رشد نقدینگی دادن آدرس غلط به مخاطب است و اشارات سیاستی آن بسیار پرمخاطره خواهد بود. برای خلاص شدن از تورم بالا، باید علل واقعی آن را رفع کرد. متأسفانه آنچه در بعضی محافل علمی عنوان می‌شود و آنچه به زبان سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران جاری است (کسری بودجه و نقدینگی)، علل واقعی تورم نیست بلکه معلول‌هایی است که در کنار خود تورم نتیجه و حاصل پرش‌های ارزی است.

این پرش‌های بی‌سابقه نرخ ارز است که موتور محرکه تورم‌های لجام‌گسیخته اخیر بوده است؛ این کاملاً بدیهی، مشهود و غیر قابل‌خدشه است. لذا اینکه به‌صورت انحصاری و یک‌جانبه گفته می‌شود که این تنها نقدینگی است که موجب تورم می‌شود و رشد نقدینگی هم تنها معلول کسر بودجه دولت است بسیار تأمل‌برانگیز است. توضیح اینکه رشد نقدینگی در سال‌های گذشته بطور متوسط شبیه وضعیت سه دهه قبل بوده است؛ بدهی دولت به بانک مرکزی نسبت به بدهی بانک‌ها نقش بسیار محدودی داشته است؛ و عمدتاً بانک‌هایی که بدهی بالا به بانک مرکزی دارند آنهاست که به دولت قرض داده‌اند. پس نقدینگی و ترکیب آن نسبت به قبل تغییرات چندانی نداشته است و نمی‌تواند این جهش تورمی را توضیح دهد. در اینجا بحث بر سر تأیید رشد نقدینگی و وجود کسر بودجه نیست بلکه باید توجه



داشت در مقام علت‌یابی تورم این نرخ ارز است که وقتی پرش می‌کند، تورم و بنابراین نقدینگی و حتی کسر بودجه دولت را به شدت افزایش می‌دهد و سبب تقویت پویایی‌های تورم می‌گردد. لذا نقدینگی، کسر بودجه و تورم همگی تا حد قابل ملاحظه‌ای در جایگاه معلول قرار دارند نه علت و این نرخ ارز است که همه این‌ها را تشدید و بی‌ثبات می‌کند.

نمودار ۳- مقایسه میانگین نرخ تورم، رشد اقتصادی، تورم تولیدکننده و نرخ رشد دلار در چهار دوره مختلف



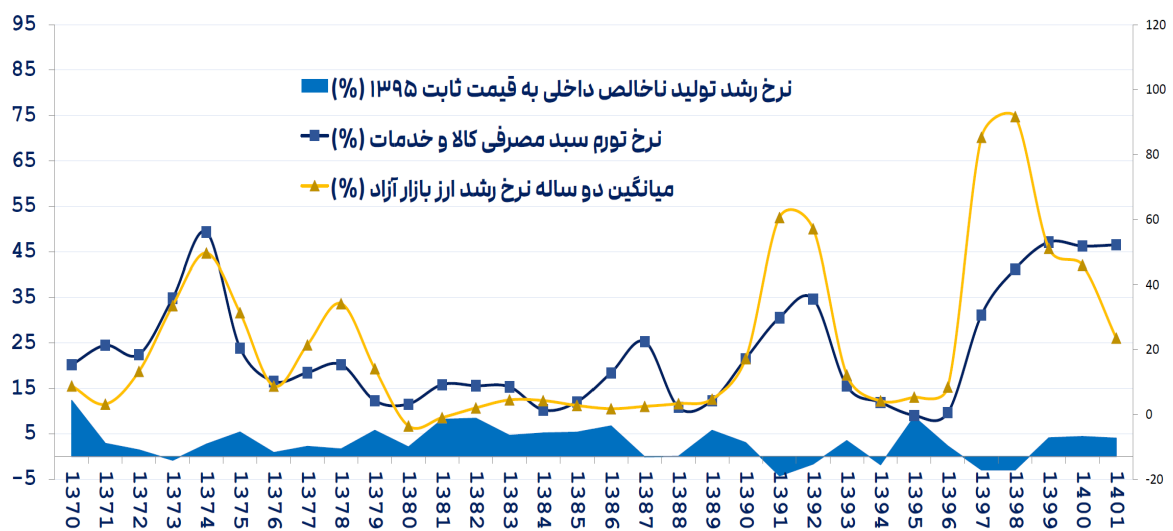
منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

موضوع مهم این است که اگر تغییرات تورم را صرفاً ناشی از تغییرات عرضه پول بدانیم آنگاه سوالی که پیش می‌آید این است که چرا در دوره‌های ثبات نسبی اقتصاد مثل سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ یا سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ رابطه یک به یک مذکور برقرار نبوده در حالی که در دوره‌های بی‌ثباتی این رابطه برقرار است؟ پس اگر تورم یک پدیده پولی است لذا باید این رابطه همواره و در همه دوره‌ها برقرار باشد. در زمانی که به دلیل تحریم‌های اقتصادی و شوک‌های ارزی، نرخ رشد کم و اقتصاد دچار رکود نسبی بوده است (سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ و سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲)، همبستگی بسیار بالا بین نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم وجود داشته، به خصوص که ضریب همبستگی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ در حدود یک برآورد شده است (میانگین نرخ تورم ۲۸/۸ و میانگین تورم تولیدکننده ۳۳/۷ است). اما در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶، چون میانگین نرخ تورم در حدود ۱۱/۸ و میانگین تورم تولیدکننده در حدود ۸/۶ بوده، لذا ضریب همبستگی کمتری را نشان داده است. همچنین مطابق نمودار (۳) مشخص می‌گردد که همبستگی



منفی بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ وجود داشته، لذا شوک‌های منفی عرضه و تقاضا بر روی انتظارات اثرگذار بوده و عرضه پول و قیمت‌ها با هم افزایش یافته‌اند. نمودار (۴) به شکل دیگری نشان می‌دهد که فاصله گرفتن نرخ تورم از متوسط بلندمدت خود و جهش آن ماهیت ضدچرخه‌ای داشته، مصادف با اعمال تحریم‌ها و اصابت تکانه‌های ارزی و همزمان با جهش‌های نرخ ارز و بروز رکودهای تورمی بوده است..

نمودار ۴- مقایسه نرخ تورم، رشد اقتصادی، و نرخ رشد دلار

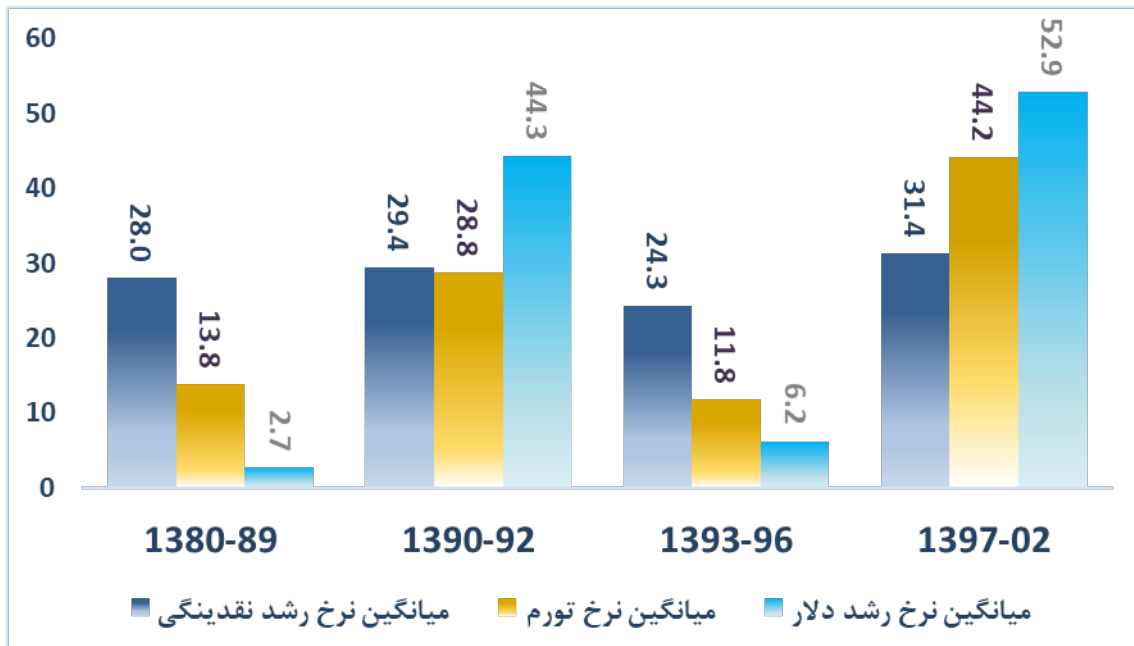


منبع: جلالی نائینی (۱۴۰۲)، تورم در اقتصاد ایران، ویژگی‌ها و عوامل ایجاد کننده

چنانچه نرخ رشد دلار را در کنار نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی قرار دهیم، نمودار (۵)، همبستگی بالایی افزایش نرخ ارز، تورم و نرخ رشد نقدینگی به خصوص برای سال‌های توأمان با بی‌ثباتی سیاسی-اقتصادی قابل مشاهده است. در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ که نرخ تورم کمتر از نرخ رشد نقدینگی بوده است نرخ رشد دلار که بیانگر شوک‌های عرضه است در حدود ۲/۷ درصد بوده است در حالیکه در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ متوسط نرخ رشد دلار در حدود ۴۴/۳ درصد بوده است. همچنین متوسط نرخ رشد دلار در طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ در حدود ۵۲/۹ درصد بوده است. اگر نرخ رشد دلار به عنوان متغیری برای بی‌ثباتی و شوک‌های قیمتی در نظر گرفته شود، عاملی برای شکل‌گیری انتظارات خواهد بود؛ چرا که دیگر این مولفه متغیر تصادفی نیست و در مدل اثرگذاری زیادی دارد. اگر تحریم به عنوان شوک منفی عرضه در نظر گرفته شود و نرخ رشد دلار در کنار نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی قرار گیرد، مشخص می‌شود که در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ که نرخ رشد دلار بسیار کم بوده و نرخ رشد نقدینگی در حدود دو برابر نرخ تورم بوده است (میانگین نرخ رشد نقدینگی در حدود ۲۸ درصد و میانگین

نرخ تورم در حدود ۱۳/۸ درصد است)، در حالیکه در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ که نرخ رشد دلار بسیار زیاد و در حدود ۴۴/۳ درصد بوده است، نرخ رشد نقدینگی نیز متناسب با نرخ تورم بوده است (میانگین نرخ رشد نقدینگی در حدود ۲۹/۴ درصد و میانگین نرخ تورم در حدود ۲۸/۸ درصد است).

نمودار ۵- مقایسه میانگین نرخ تورم، نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد دلار در چهار دوره مختلف



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

نتایج بیان می‌کند که همه تورم ایران از وجود نقدینگی زیاد نیست و شوک‌های عرضه و تقاضا و شوک‌های سیاسی در شکل‌گیری انتظارات و تورم اثرگذار هستند. لذا اگر عرضه پول در یک طرف و قیمت‌ها در طرف دیگر قرار داده شوند و از مساوی بودن آن‌ها این برداشت شود که «عرضه پول (M) علت و قیمت (P) معلول است»، تفسیر غلط از وضعیت اقتصادی کشور است. همین برداشت اشتباه سبب شده است که در همه دولت‌هایی که با ادعای کنترل تورم از طریق کنترل نقدینگی، به خصوص در شرایط تحریم، سعی در مهار تورم داشته‌اند، وضعیت اقتصادی بدتر شود. در واقع عملکرد دولت‌ها در کنترل نقدینگی به شدت ضعیف بوده و حتی با وجود ادعای کنترل نقدینگی از سوی آن‌ها، وضعیت اقتصادی قابل پذیرش و مطلوب نبوده است، چرا که باید توجه داشت، زمانی کنترل نقدینگی محقق خواهد شد که نقدینگی برون‌زا باشد. حتی براساس برخی مکاتب کلاسیک از جمله مکتب چرخه‌های حقیقی تجاری، RBC، شوک‌های عرضه، عرضه پول را به دنبال خواهد داشت و لذا بانک مرکزی تنها نقش همراهی‌کننده و هم‌سازی را بازی خواهد کرد.

تکانه‌های خارجی - ارزی از مجرای بودجه دولت، ترازنامه بانک مرکزی و شبکه بانکی و همچنین هزینه تولید (اختلال در زنجیره تأمین کالا) بر تورم اثرگذار است که شرح مکانیسم اثرگذاری در شکل (۱) نمایش داده شده است. جدا از اثر مستقیم انتظارات، آثار تکانه‌های اسمی و ارزی از درگاه ترازنامه بانک مرکزی و شبکه بانکی به کل اقتصاد تسری می‌یابد.

طبق مطالعه جلالی نائینی (۱۴۰۲) نوسانات کوتاه‌مدت نرخ تورم، بیشترین تأثیر را به ترتیب، از نوسانات نرخ ارز، انتظارات تورمی و رشد پول دارند. بر این اساس کاهش نقدینگی در چرخه‌های کوتاه‌مدت لزوماً با کاهش تورم همبستگی زیادی ندارد، اما در افق بلندمدت کنترل نقدینگی اثر بخشی بالاتری دارد. نرخ ارز درگاه ورود آثار تکانه‌های خارجی و نااطمینانی‌های اقتصادی - سیاسی است.

اکنون سوال مهمی که مطرح می‌گردد این است که اگر شوک‌های عرضه و تقاضا منجر به تورم می‌شوند، پس علت همبستگی بالا بین رشد نقدینگی و تورم در سال‌های تحریمی و شوک‌های ارزی چیست؟ اگرچه به طور ضمنی در متن اشاره شد اما به طور صریح باید گفت درون‌زایی پول این مهم را تحقق می‌بخشد. در واقع استدلال می‌شود که بخشی از عرضه پول ماهیت درون‌زا دارد و متناسب با تحولات اقتصاد کلان تغییر می‌یابد، به خصوص برای دوره‌های بی‌ثباتی اقتصادی و تورمی این ویژگی پول اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. تحت این شرایط قیمت‌ها بالا می‌رود و عرضه پول و پایه پولی به تناسب آن رشد می‌کند. در واقع جهت علیت به جای اینکه از پایه پولی و نقدینگی به تورم باشد از نرخ ارز به تورم و از تورم به نقدینگی و سپس پایه پولی است.



### ۳-۳- شوک‌های عرضه و انتظارات تورمی

تحلیل رایج در مورد شکل‌گیری انتظارات عقلایی آن است که انتظارات نسبت به متغیرهای اثرگذار بر قیمت در طرف عرضه و تقاضا به خصوص نقدینگی است که انتظارات قیمتی و تورم را شکل می‌دهد و شوک‌های تصادفی عرضه و تقاضا جایگاه خاصی در شکل‌دهی انتظارات نداشته چون تصادفی بوده و میانگین انتظاری آنها صفر است؛ اما عوامل اقتصادی برای تحلیل پیش‌بینی تورم، شوک‌های طرف عرضه و تقاضا را نیز در کنار عرضه پول در نظر می‌گیرند و همه این مولفه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، به خصوص وقتی شوک‌ها پایدار و پرتکرار است. در واقع تحت این شرایط شوک‌ها دیگر تصادفی نبوده و به عنوان متغیر توضیحی اصلی در تحلیل‌ها و برآوردها استفاده می‌شود. لذا انتظارات قیمتی **تابعی مثبت از انتظارات عرضه پول و شوک‌های تقاضا و تابعی منفی از شوک‌های طرف عرضه** می‌باشد. بنابراین اگر عوامل اقتصادی همواره در انتظار شوک‌های منفی طرف عرضه باشند و آن را در تحلیل‌های خود وارد نمایند، انتظارات تورمی ناشی از شوک‌های عرضه و تقاضا در کنار از انتظارات عرضه پول بر تورم اثرگذار خواهد بود.

می‌توان اینگونه استدلال کرد که در اقتصاد تورمی ایران، شوک‌های طرف عرضه و تقاضا در شکل‌گیری انتظارات بسیار اثرگذار است و قیمت تنها تابع انتظارات قیمتی ناشی از رشد پولی و خطای پیش‌بینی آن نبوده و تابعی از انتظارات و شوک‌های عرضه و تقاضا است؛ شوک مثبت تقاضا و شوک منفی عرضه موجب افزایش قیمت می‌شوند. بنابراین در یک اقتصاد با بی‌ثباتی‌های فراوان و شوک‌های پیاپی سیاسی-اقتصادی، انتظارات تنها تابع عرضه پول و تورم نیز تنها تابع عرضه پول نیست. نکته اینکه انتظارات تورمی می‌تواند به صورت خودتأییدی یا خودتحقق‌یابنده عمل کند؛ به این معنی که اگر مردم انتظار افزایش قیمت‌ها را داشته باشند، رفتارهای اقتصادی‌شان مانند افزایش تقاضا و ذخیره‌سازی کالاها می‌تواند به تحقق این انتظارات و افزایش تورم منجر شود. این موضوع در شرایط بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد.

در ارتباط با انتظارات تورمی و نرخ ارز باید توجه داشت که تغییرات نرخ ارز از آن جهت که به صورت تاریخی لنگر انتظارات تورمی در اقتصاد ایران است، نقش محوری در شکل‌دهی به انتظارات تورمی دارد که خود منجر به تغییرات نرخ تورم در کوتاه‌مدت می‌شود. علاوه بر این استدلال می‌شود که انتظارات تورمی در ایران به نوعی نهادینه شده است؛ در واقع با توجه به پایداری تورم و عدم نتیجه بخش بودن سیاست‌های اقتصادی، همواره در اذهان فعالان اقتصادی درصدی تورم برای هر سال نهادینه شده است. این نه تنها تورم را به دنبال دارد بلکه کاهش نرخ تورم را بسیار پرهزینه‌تر و دشوارتر خواهد کرد.

### ۳-۴- تورم ساختاری

جدای از بحث نقش شوک‌های اقتصادی و نقدینگی در تورم، نباید از نقش عوامل ساختاری و نهادی معیوب در ایجاد تورم و به دنبال آن همراهی پولی غافل شد. وجه غالب بازارهای ما بازارهای انحصاری است و بازار رقابت بسیار محدود است. در ساختار انحصاری موجود، قیمت‌گذاری‌های دلخواه در شرایط بی‌ثباتی بسیار گسترده است. عامه افراد جامعه و حتی مسئولین دولتی پذیرفته‌اند که تعدادی از افراد به عنوان کنترل‌کننده بازارهای مختلف هستند؛ کما اینکه هر روز شاهد صحبت از سلطان فولاد، سلطان دلار، سلطان پتروشیمی و موارد این‌چنینی می‌باشیم. از طرفی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، انحصارات گوناگونی نظیر انحصار خودرو و فولاد و... وجود دارد.

تضادهای توزیعی و اصطکاک‌های موجود در شبکه توزیع نیز در ایران به عنوان عامل تقویت‌کننده پویایی‌های تورم در کشور موضوعیت دارد یعنی صاحبان کالا و خدمات سعی می‌کنند قیمت خود را بالا ببرند تا سهم نسبی خود از رفاه و درآمد و ثروت را افزایش دهند اما دیگران هم همین انگیزه را دارند و آنها نیز همین رفتار را انجام می‌دهند؛ اما ناهمزمانی و ناهماهنگی باعث می‌شود که مردم تصور نکنند که این در بلندمدت رفاه آنها را بالا نمی‌برد، لذا بطور ناهمزمان و ناهماهنگ قیمت‌های خود را بالا می‌برند و در نهایت سطح عمومی قیمت‌ها بالا می‌رود. به نظر می‌رسد چنین عاملی تجربه تورم مستمر در اقتصاد ایران را به خوبی توضیح می‌دهد. سیلان شدید و مستمر نقدینگی نیز زمینه را برای افزایش قیمت‌ها از مجرای تضادهای توزیعی و قیمت‌گذاری‌های دلخواه فراهم نموده است. بنابراین در تحلیل تورم ایران باید هر دو عامل لحاظ گردد.

شاخص‌بندی هم در اقتصاد ما به عنوان عامل تقویت تورم موضوعیت دارد. یعنی یک قیمت کلیدی بالا می‌رود صاحبان کالاها هم به دنبال آن قیمت خود را بالا می‌برند، سطح قیمت‌ها که بالا رفت صاحبان خدمات و نیروی کار هم قیمت خود را بالا می‌برند. رفتار اینگونه نیز در اقتصاد ما مشهود است. لازم به ذکر است در رابطه با اقتصاد ایران باید در نظر گرفته شود که درآمد حقوق‌بگیران و صاحبان نهادهای مولد نسبت به تورم به طور کامل شاخص‌بندی نمی‌شوند. اما درآمد عوامل نامولد و ناکارآمد بیش از تورم افزایش می‌یابد و این مسئله زیان‌های تخصیصی و توزیعی را افزایش می‌دهد.

وابستگی به نفت، نظام مالیاتی ناکارآمد و بی‌انضباطی‌های مالی دولت، عدم رقابت‌پذیری و تکنولوژی‌های پایین تولید و مشکلات مبنایی طرف عرضه نیز جزء مواردی است که از آنها تحت عنوان ویژگی‌های ساختاری تشدید‌کننده تورم یاد می‌شود. اینکه حتی در شرایط عادی، در بیشتر مواقع نقدینگی رشد بالایی دارد ناشی از ویژگی‌های ساختاری بودجه و نظام مالی دولت است.

باید توجه داشت اقتصادی که بی‌انضباطی پولی دارد عوامل ذکر شده نقش مخرب‌تری در آن ایجاد خواهند کرد و در اقتصادی که بی‌انضباطی پولی نیست این عوامل قابل کنترل و قابل مدیریت‌تر هستند. هنگامی که بی‌انضباطی پولی و انتظارات مخرب منفی بر یک اقتصاد حکم‌فرما می‌شود این عوامل تأثیرات منفی بیشتری را بر آن جامعه تحمیل خواهند کرد.

## ۴- تجربه کشورها در کنترل تورم

اگرچه وقتی روی علل تورم تمرکز می‌کنیم کمتر کشوری را پیدا می‌کنیم که شرایط ایران را در عرصه اقتصاد سیاسی جهانی داشته باشد و جهش‌ها نرخ ارز عامل اصلی تورم آن باشد، اما تجربه کشورها برای کنترل وجه پولی تورم قابل توجه و تأمل است. بررسی تجربه کشورهای ترکیه، برزیل، روسیه، اوکراین و تاجیکستان نشان می‌دهد که این کشورها در دوره‌هایی تورم‌های بالایی را تجربه کرده‌اند و بسته به منشأ تورم و دلایل ایجاد آن، سیاست‌هایی (به شرح جدول ۱) را برای کاهش تورم در پیش گرفتند.

جدول ۱- تجربه کشورها در خصوص کنترل تورم

عامل اساسی کاهش تورم	تجربه کشورهای منتخب در کنترل تورم	ترکیه
<ul style="list-style-type: none"> <li>قرار دادن کنترل تورم به عنوان هدف اصلی و برنامه‌ریزی و تنظیم سایر سیاست‌ها به تناسب آن، کاهش قیمت تمام شده پول ملی (لیر) و انعطاف‌پذیر کردن نرخ ارز، حذف اکثر یارانه‌ها و آزادسازی قیمت‌های شرکت‌های دولتی، اصلاح نظام مالیاتی و افزایش درآمدهای مالیاتی، اصلاح سیستم پولی و مالی، اتخاذ سیاست‌های پولی از طریق ابزار نرخ بهره و کنترل پایه پولی، استقلال بانک مرکزی و سالم‌سازی نظام بانکی، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، فراهم‌آوردن مقدمات پیوستن به اتحادیه اروپا و ایجاد انقلاب در اقتصاد داخلی و انتظارات مثبت از آن، استفاده از نخبگان اقتصادی در شرایط حساس، همراه ساختن افکار عمومی جامعه از طریق بیان صادقانه دلایل بحران اقتصادی، استقراض از صندوق بین‌المللی پول، برای جبران کسری تراز پرداخت‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تا قبل از دهه ۷۰ میلادی، نرخ تورم در ترکیه تک رقمی بود. اعمال تحریم بین‌المللی علیه این کشور منجر به افزایش نرخ تورم در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ به ترتیب به ۵۸ و ۱۱۰ درصد شد.</li> <li>در دهه ۸۰ سیاست‌های آزادسازی تجاری با رویکرد افزایش صادرات و آزادسازی مالی و سیاست‌های انبساطی جانب تقاضا، تورم را بدنبال داشت.</li> <li>وجود تورم مستمر، افزایش کسری بودجه و تأمین مالی آن از سوی بانک مرکزی، کسری حساب جاری و تأمین آن از طریق وام‌های خارجی سبب شد تا با افزایش بدهی‌های خارجی کشور، سطح اعتماد عموم مردم در داخل و جامعه بین‌الملل به توانایی دولت در کنترل بحران تراز پرداخت‌ها کاهش یابد، تا آنجا که پدیده دلاریزه شدن اقتصاد مطرح شد. تورم در سال ۱۹۹۴ به رقم ۱۰۶ درصد رسید.</li> </ul>	

عامل اساسی کاهش تورم	تجربه کشورهای منتخب در کنترل تورم	
<p>در سال ۱۹۹۲، با تغییر رئیس‌جمهور، دولت جدید با مشورت اقتصاددانان برنامه‌ای برای مهار تورم ارائه داد:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• تعریف یک واحد پول مجازی جدید و باثبات به نام رئال، که مردم ذهنیتی درباره آن نداشتند،</li> <li>• پرداخت حقوق و گزارش قیمت‌ها بر اساس آن (با ارزش ثابت) - مبادلات بر اساس (رئال)،</li> <li>• نرخ برابری رئال با URV* به صورت روزانه اعلام می‌شد. هدف از اجرای این مرحله شاخص‌گذاری کل اقتصاد برزیل بر اساس URV و ثبات قیمت‌های نسبی با استفاده از لنگر اسمی آن بود،</li> <li>• از بین رفتن انتظار مردم به وجود ابرتورم - کنترل انتظارات،</li> <li>• باز شدن درها به روی سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل قوانین مربوط به آن،</li> <li>• خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و جلوگیری از دسترسی دولت به نقدینگی،</li> <li>• پایان دادن به چاپ پول و قرض گرفتن برای دولت،</li> <li>• افزایش مالیات و هماهنگی درآمد و مصارف دولت،</li> <li>• بالابردن نرخ بهره بانکی و سوق نقدینگی به سمت سرمایه‌گذاری.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اقتصاد برزیل در حدود دهه ۷۰ تا ۹۰ میلادی، تورمی حدود ۱۰۰ تا ۲۴۰۰ درصد را تجربه کرد و رشد نقدینگی کاملاً غیرقابل مهار شد.</li> <li>• در سال ۱۹۶۴ کودتایی نظامی با عنوان معجزه اقتصادی در برزیل اجرا شد. در این طرح، صنعتی شدن برزیل را مستلزم دریافت وام از خارج می‌دانستند. بروز شوک نفتی، رکود جهانی و افزایش نرخ های بهره اروپا و امریکا موجب شد نتایج این طرح به صورت افزایش دخالت دولت در اقتصاد و کسری بودجه، انباشت بدهی‌های خارجی، عدم تمایل مردم به سپرده‌گذاری در بانک‌ها، انتشار بی‌رویه پول و در نهایت پدیده ابرتورم بروز کند.</li> </ul>	برزیل
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ارائه برنامه ضدبحران در سال ۱۹۹۳ شامل سیاست‌های پولی و مالی انقباضی؛ این برنامه شامل افزایش نرخ بهره اعتبارات، تأمین کسری بودجه به روش‌های غیرپولی مانند انتشار اوراق قرضه دولتی، تعطیل کردن بنگاه‌های دولتی ناکارآمد و کنترل گسترش عرضه پول بود،</li> <li>• در سال ۱۹۹۶ برنامه‌هایی با حمایت صندوق بین‌المللی پول شامل سیاست‌های پولی و مالی انقباضی، ایجاد نهادهای کارآمد و ابزارهای سیاست‌گذاری مؤثر، اصلاحات ساختاری اعمال شد،</li> <li>• اعمال اصلاحات پولی در سال ۱۹۹۸.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نرخ تورم کشور روسیه در سال ۱۹۹۳ میلادی برابر با ۸۷۴ درصد بود.</li> <li>• کسری بودجه و تأمین آن به روش پولی، وجود بنگاه‌های دولتی ناکارآمد، گسترش عرضه پول از عوامل اصلی تورم سه رقمی در این کشور بود.</li> </ul>	روسیه



عامل اساسی کاهش تورم	تجربه کشورهای منتخب در کنترل تورم	
<ul style="list-style-type: none"> <li>• در سال ۱۹۹۴ دولت با حمایت صندوق بین‌المللی پول برنامه آزادسازی قیمت‌ها را از طریق لغو کنترل قیمت‌ها، افزایش سطح نرخ بهره حقیقی به سطح مثبت و تک نرخی نمودن نرخ ارز آغاز کرد؛</li> <li>• نتیجه این سیاست‌ها در ابتدای سال ۱۹۹۵، ثبات نسبی نرخ ارز اسمی، افزایش صادرات و گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی بود،</li> <li>• در نیمه دوم سال ۱۹۹۵ با متوقف شدن برنامه اصلاحات، نرخ تورم افزایش یافت، لیکن در اواخر سال، برنامه اصلاحات از سر گرفته شد. این برنامه شامل اصلاح نظام مالیاتی، حذف معافیت‌های موقت مالیاتی، کاهش یارانه، واگذاری ۷۰ درصد از شرکت‌های بزرگ و متوسط دولتی به بخش خصوصی تا پایان سال ۱۹۹۶ بود،</li> <li>• همچنین در سال ۱۹۹۶ با حذف پنج صفر از پول ملی، اصلاحات پولی صورت گرفت،</li> <li>• در سال ۱۹۹۷ برای داشتن رشد اقتصادی مثبت، تقویت ذخایر خارجی بانک مرکزی اوکراین و کاهش تورم به رقمی کمتر از ۲۰ درصد، مقرر شد که سیاست‌های مالی در جهت کاهش معوقات دولتی (مانند دستمزدهای بازنشستگی و مزایای تأمین اجتماعی) و اجتناب از معوقات جدید باشد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• انتشار بی‌رویه پول، تأمین مالی کسری بودجه با استقراض از بانک مرکزی، اعطای تسهیلات ارزان قیمت به بخش‌های کشاورزی و صنعت، کاهش نرخ رشد اقتصادی و بروز تورم چهار رقمی</li> </ul>	<p>اوکراین</p>
<p>در سال ۱۹۹۷ با حمایت صندوق بین‌المللی پول برنامه ثبات مالی اجرا شد؛ این برنامه تأکید قابل توجهی بر اقدام‌های ساختاری و نهادسازی برای بهبود فضای اقتصادی داشت</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• اجرای سیاست‌های پولی انقباضی،</li> <li>• تعدیل مالی،</li> <li>• افزایش انضباط مالی در شرکت‌های دولتی و لغو معافیت‌های مالیاتی،</li> <li>• خصوصی‌سازی، تجدید ساختار بانک‌ها و اصلاحات سازمانی،</li> <li>• اصلاحات پولی در سال ۲۰۰۰ اجرا گردید.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• طی سال‌های ۱۹۹۷ - ۱۹۹۲ درگیر جنگ‌های داخلی بود و در طول این سال‌ها به دلیل تأمین پولی کسری بودجه و گسترش بی‌رویه حجم پول با تورم بالای ۱۰۰ درصد مواجه بود.</li> </ul>	<p>تاجیکستان</p>

منبع: یافته‌های تحقیق.

## ۵- نگاه برنامه هفتم به تورم

اگرچه در ظاهر برنامه هفتم به مسئله تورم پرداخته است اما نگاه حاکم بر آن نگاه پولی به مسئله تورم است. در واقع فرض بر این است که با مدیریت نقدینگی و برخی اصلاحات در نظام بانکی و بودجه دولت نقدینگی و به تبع آن تورم را کنترل کرد. این در حالی است که تورم فعلی ایران چندان ریشه پولی ندارد و کنترل انتظارات و نرخ ارز مهم‌ترین چالش کاهش تورم است. اصلاحات مورد نظر برنامه هفتم به شرط

برقراری فضای اقتصاد سیاسی فعلی یا تورم را در سطح فعلی حفظ نموده یا در بهترین حالت چند درصد کاهش می‌دهد.

### جدول ۲- قانون برنامه هفتم در خصوص کنترل تورم

شماره ماده	متن ماده
ماده ۷	<p>اهداف کمی برنامه هفتم در پایان برنامه تورم ۹٫۵ درصد ۹/۵ درصد رشد نقدینگی: ۱۳/۸ درصد کاهش اضافه برداشت غیرمجاز مؤسسات اعتباری از بانک مرکزی: ۱۰۰ درصد با کاهش ۲۰ درصدی در هر سال شاخص کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری: حداقل ۸ درصد</p>
ماده ۸	<p><b>الف-</b> به منظور اصلاح ساختار مالی نظام بانکی و حل و فصل ناترازی مؤسسات اعتباری اقدامات زیر انجام می‌گیرد:</p> <p>۱- هیأت مدیره با تصویب مجمع عمومی فوق العاده هر یک از مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی که نسبت کفایت سرمایه آنها در زمان لازم الاجرا شدن این قانون، کمتر از نسبت مندرج در جدول شماره (۲) موضوع ماده (۷) این قانون می‌باشد، مکلف است ظرف دو ماه از لازم الاجرا شدن این قانون، برنامه افزایش سرمایه مؤسسه اعتباری را جهت نیل به هدف مندرج در جدول یادشده به بانک مرکزی تسلیم کند. بانک مرکزی مکلف است حداکثر ظرف دو ماه برنامه مذکور را عیناً یا با اعمال اصلاحات مورد نیاز برای اجرا به مؤسسه اعتباری ابلاغ کند.</p> <p>۲- افزایش سرمایه مؤسسات اعتباری غیردولتی به ترتیب زیر انجام می‌شود:</p> <p>۱- ۲- مؤسسات اعتباری غیردولتی مکلفند پس از ابلاغ بانک مرکزی، برنامه افزایش سرمایه ابلاغی بانک مرکزی را به تصویب مجمع عمومی فوق العاده خود رسانده و فرایند قانونی افزایش سرمایه را آغاز کنند.</p> <p>۲- ۲- در صورتی که پس از گذشت دو ماه از مهلت مجمع عمومی فوق العاده موضوع جزء (۱) این بند، به هر دلیل از جمله عدم برگزاری مجمع عمومی مؤسسه اعتباری غیردولتی، عدم تصویب افزایش سرمایه ابلاغی بانک مرکزی در مجمع عمومی فوق العاده یا عدم اجرای مصوبه مجمع عمومی فوق العاده؛ افزایش سرمایه مؤسسه اعتباری غیردولتی مطابق برنامه ابلاغی بانک مرکزی انجام نشود، اختیارات مجمع عمومی فوق العاده در افزایش سرمایه به بانک مرکزی منتقل می‌شود و بانک مرکزی مکلف است از طریق عرضه سهام در بازار بورس و اوراق بهادار با روش سلب حق تقدم سهامداران فعلی نسبت به افزایش سرمایه مؤسسه اعتباری غیردولتی مورد نظر اقدام کند.</p> <p>۳- ۲- نظارت بر اجرای برنامه افزایش سرمایه مؤسسات اعتباری غیردولتی و بهبود نسبت کفایت سرمایه آنها بر عهده بانک مرکزی است و بانک مرکزی مکلف است هر شش ماه یکبار گزارش اجرای برنامه افزایش سرمایه و وضعیت کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری غیردولتی را به رئیس جمهور و رئیس مجلس و بانک‌های عالی راهبری برنامه موضوع بند «الف» ماده (۱۱۸) این قانون، تقدیم کند.</p> <p>۳- افزایش سرمایه بانک‌های دولتی به ترتیب زیر انجام می‌شود:</p> <p>۱- ۳- وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان مکلفند ظرف یک ماه از لازم الاجرا شدن این قانون، برنامه افزایش سرمایه بانک‌های دولتی و چگونگی تأمین منابع مورد نیاز برای اجرای برنامه مذکور را تهیه نموده و به تصویب هیأت وزیران برسانند.</p> <p>۲- ۳- کلیه منابع ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های بانک‌های دولتی که حسب تشخیص بانک مرکزی می‌تواند منجر به بهبود کفایت سرمایه بانک شود و سود خالص سالانه آنها تا زمان رسیدن نسبت کفایت سرمایه بانک به نسبت مندرج در جدول شماره (۲) فقط باید صرف افزایش سرمایه شود. وزیر امور اقتصادی و دارایی مسئول اجرای دقیق این بند است. هرگونه انتقال دارایی‌های بانک‌های دولتی در طول سال‌های برنامه به سایر دستگاه‌های اجرائی ممنوع است. تجدید ارزیابی دارایی‌های بانک‌های دولتی در طول اجرای برنامه معاف از مالیات است.</p> <p>۳- ۳- وزیر امور اقتصادی و دارایی مسئول اجرای برنامه افزایش سرمایه و بهبود نسبت کفایت سرمایه بانک‌های دولتی است و بانک مرکزی مسئولیت نظارت بر حسن اجرای برنامه مذکور را برعهده دارد. وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی مکلفند هر شش ماه یکبار وضعیت کفایت سرمایه بانک‌های دولتی و میزان پیشرفت برنامه مذکور در جزء (۱-۳) را به رئیس جمهور، رئیس مجلس و بانک‌های عالی راهبری برنامه ارائه کنند.</p>

متن ماده	شماره ماده
<p>به منظور اصلاح چهارچوب و اعمال سیاست‌گذاری پولی اقدامات زیر انجام می‌گیرد:</p> <p><b>الف-</b> اعطای اعتبار جدید توسط بانک مرکزی به مؤسسات اعتباری بدون دریافت وثیقه، ممنوع است. نوع و میزان وثایق قابل پذیرش توسط هیأت عالی بانک مرکزی تعیین می‌شود.</p> <p><b>ب-</b> به منظور تعیین تکلیف و بازپرداخت بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به شبکه بانکی:</p> <p><b>۱-</b> معادل طلب حسابرسی شده مؤسسات اعتباری از دولت و شرکت‌های دولتی، اوراق مالی اسلامی با سررسید حداکثر پنج سال در اختیار مؤسسات اعتباری طلبکار قرار می‌گیرد. اوراق مالی اسلامی مربوط به بدهی دولت توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) و اوراق مالی اسلامی مربوط به بدهی شرکت‌های دولتی توسط شرکت دولتی بدهکار منتشر و تضمین می‌شود. این اوراق حداکثر ظرف سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون، باید به مؤسسات اعتباری تحویل شود. مسئولیت اجرای این بند حسب مورد بر عهده وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس مجمع عمومی شرکت دولتی بدهکار است. اوراق مذکور مشمول ماده (۲۷) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران است. همچنین این اوراق با بدهی فعلی دولت یا شرکت‌های دولتی به مؤسسه اعتباری، جایگزین و معادل آن از بدهی دولت یا شرکت دولتی که در دفاتر آن مؤسسه اعتباری ثبت شده، کسر می‌گردد. فقط سود اوراق مذکور حسب مورد در بودجه سنواتی دولت یا شرکت دولتی بدهکار پیش‌بینی می‌شود.</p> <p><b>۲-</b> اوراق مالی اسلامی موضوع این بند دارای سودبرگ (کوپن سود) بوده و سود آنها به ترتیبی که در جزء (۳) آمده است، پرداخت می‌شود. نرخ سود این اوراق معادل نرخ سود مصوب هیأت عالی بانک مرکزی برای سپرده بلندمدت بانکی است.</p> <p><b>۳-</b> سود اوراق مالی اسلامی مربوط به بدهی دولت توسط خزانه و سود اوراق مالی اسلامی مربوط به بدهی شرکت‌های دولتی توسط شرکت دولتی بدهکار پرداخت می‌شود. خزانه‌داری کل کشور مکلف است در صورتی که شرکت دولتی بدهکار تا ۴۸ ساعت قبل از زمان پرداخت سود، سود اوراق را پرداخت نکند، معادل مبلغ مزبور را از حساب‌های شرکت مورد نظر نزد خزانه‌داری کل کشور، برداشت و به حساب مؤسسه اعتباری دارنده اوراق واریز کند. همچنین بانک مرکزی مکلف است در صورتی که سود اوراق مربوط به بدهی دولت تا ۴۸ ساعت قبل از سررسید سودبرگ (کوپن سود) توسط خزانه پرداخت نشود، معادل مبلغ مزبور را از حساب خزانه نزد بانک مرکزی برداشت و به حساب مؤسسه اعتباری دارنده آن اوراق واریز کند.</p> <p><b>۴-</b> اوراق مالی اسلامی موضوع این بند صرفاً قابل مبادله بین مؤسسات اعتباری با یکدیگر و با بانک مرکزی است و قابل واگذاری به دیگران نمی‌باشد و حسب مورد توسط دولت یا شرکت دولتی منتشرکننده تا پایان برنامه بازخرید یا با اوراق مالی اسلامی جدید جایگزین می‌شود.</p> <p><b>۵-</b> بانک مرکزی مجاز است اوراق مزبور را با اعمال ضریب توثیق که توسط هیأت عالی بانک مرکزی تعیین می‌شود، به عنوان وثیقه بپذیرد.</p> <p><b>۶-</b> از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون، هرگونه استفاده دولت و شرکت‌های دولتی از منابع شبکه بانکی باید در قالب تحویل اوراق مالی اسلامی قابل معامله در بازار سرمایه به مؤسسات اعتباری صورت گیرد.</p> <p>تبصره- عقود مورد استفاده برای انتشار اوراق مالی اسلامی موضوع این بند (اصل و سود) باید به تأیید بانک‌های فقهی بانک مرکزی برسد.</p> <p>سقف اوراق موضوع این بند دو میلیون و پانصد هزار میلیارد (۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که حداقل یک میلیون میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال آن توسط دولت و مابقی توسط شرکت‌های دولتی منتشر شده و در اختیار مؤسسات اعتباری قرار می‌گیرد. سهم هریک از شرکت‌های دولتی و هر مؤسسه اعتباری از این اوراق، توسط کارگروهی مرکب از رئیس سازمان، وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی حداکثر یک‌ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون تعیین می‌شود.</p>	<p>ماده ۱۰</p>

متن ماده	شماره ماده									
<p>الف- در اجرای بند (۲) سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم مبنی بر ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز؛</p> <p>۱- دستگاه‌های اجرائی، مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و صادرکنندگان دولتی یا وابسته به شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و سایر صادرکنندگان حقیقی و حقوقی مکلفند کلیه اطلاعات مربوط به دارایی‌های ارزی و جریان درآمد ارزی تحت مالکیت خود را تحت ضوابط و مطابق با شیوه‌ای که بانک مرکزی مشخص می‌کند، در اختیار این بانک قرار دهند. عرضه ارزهای در اختیار دستگاه‌های اجرائی، مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و صادرکنندگان دولتی یا وابسته به شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی باید با هماهنگی بانک مرکزی در چهارچوب این قانون و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی انجام شود.</p>	ماده ۱۱									
<p>در اجرای بند (۳) سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم و به منظور تحقق اهداف کمی زیر مطابق با احکام این فصل، اقدام می‌شود:</p> <p><b>جدول شماره (۳) - اهداف کمی سنجه‌های عملکردی اصلاح ساختار بودجه</b></p> <table border="1" data-bbox="199 920 1246 1144"> <thead> <tr> <th>سنجه عملکردی</th> <th>واحد متعارف</th> <th>هدف کمی در پایان برنامه</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>نسبت اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به بودجه عمومی</td> <td>درصد</td> <td>۲۵</td> </tr> <tr> <td>نسبت بدهی دولت و شرکت‌های دولتی با احتساب بدهی آنها به صندوق توسعه ملی به تولید ناخالص داخلی</td> <td>درصد</td> <td>۴۰</td> </tr> </tbody> </table> <p>وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است گزارش نسبت بدهی دولت و شرکت‌های دولتی با احتساب بدهی آنها به صندوق توسعه ملی به تولید ناخالص داخلی را ماهانه به مجلس ارسال نماید.</p>	سنجه عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی در پایان برنامه	نسبت اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به بودجه عمومی	درصد	۲۵	نسبت بدهی دولت و شرکت‌های دولتی با احتساب بدهی آنها به صندوق توسعه ملی به تولید ناخالص داخلی	درصد	۴۰	ماده ۱۲
سنجه عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی در پایان برنامه								
نسبت اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به بودجه عمومی	درصد	۲۵								
نسبت بدهی دولت و شرکت‌های دولتی با احتساب بدهی آنها به صندوق توسعه ملی به تولید ناخالص داخلی	درصد	۴۰								

متن ماده	شماره ماده
<p>به منظور کاهش هزینه‌های جاری، ارتقای بهره‌وری منابع و ارتقای شفافیت در هزینه‌کرد دستگاه‌های اجرایی اقدامات زیر انجام می‌شود:</p> <p><b>الف-</b> سازمان مکلف است تا پایان سال دوم برنامه نسبت به استقرار تدریجی نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در دستگاه‌های اجرایی ارائه‌دهنده خدمت و محصول اقدام نماید، به نحوی که پیش‌بینی و پرداخت اعتبارات بر اساس فعالیت‌ها (محصولات و خدمات) متناسب با قیمت تمام‌شده و حجم فعالیت صورت گیرد.</p> <p>آیین‌نامه اجرایی این بند شامل اعطای اختیارات به مدیران اجرایی و سازوکارهای تشویقی و همچنین معیارها و فهرست دستگاه‌های اجرایی مشمول این حکم و ضوابط اجرایی مربوط با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</p> <p><b>ب-</b></p> <p>۱- حقوق، مزایا و دریافتی اعضای هیأت علمی و قضات مشمول قوانین استخدامی خاص خود است.</p> <p>۲- حقوق، مزایا و دریافتی کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و نیروهای مسلح مشمول قوانین مربوط است.</p> <p>تبصره- افزایش سقف دریافتی با درخواست بالاترین مقام دستگاه و تصویب شورای حقوق و دستمزد، صرفاً برای مشاغل حساس و خاص یا مشاغل دارای شرایط خاص (و نه دستگاه خاص) از جمله در حوزه عملیاتی صنعت نفت و دریانوردی بلامانع است.</p> <p><b>پ-</b> در کلیه موارد قانونی، اعطای کمک به بخش غیردولتی با رعایت بند «الف» ماده (۳۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۲/۴ در صورتی مجاز است که در راستای مأموریت‌ها و وظایف دستگاه‌های مربوط و متناسب با قیمت تمام‌شده محصول، کالا یا خدمات و برنامه کمک ارائه‌شده، باشد. بخش غیردولتی نسبت به کمک‌های دریافتی در مقابل دستگاه کمک‌کننده پاسخگو خواهد بود.</p> <p><b>ت-</b> ایجاد و تحمیل هرگونه بار مالی مازاد بر ارقام مندرج در قوانین بودجه سنواری در دستگاه اجرایی، به اشکال مختلف تصویب‌نامه، بخشنامه، دستورالعمل، تغییر تشکیلات، تغییر احکام کارگزینی (به‌صورت تغییر ضرایب، جداول حقوقی و طبقه‌بندی مشاغل و افزایش مبنای حقوقی)، اعطای مجوز هر نوع استخدام و بکارگیری نیرو، خرید تضمینی، جبران زیان، جایزه صادراتی و نظایر آن ممنوع است. مسئولیت اجرای این حکم بر عهده بالاترین مقام دستگاه اجرایی و با مقامات مجاز و مدیران مالی مربوط است.</p> <p>تبصره- به‌منظور جلوگیری از افزایش تعهدات بودجه‌ای، هر نوع تصمیم‌گیری توسط دستگاه‌های اجرایی و مراجع تصمیم‌گیری و شوراهای امنای دانشگاه‌ها و مجامع عمومی شرکت‌های دولتی، در مورد افزایش تعهدات بودجه، بدون پیش‌بینی عنوان تصمیم و بار مالی آن به‌صورت شفاف در قانون بودجه ممنوع است.</p> <p><b>ث-</b> سازمان مکلف است نحوه و میزان تأدیه بدهی دولت بابت تسهیلات بر عهده دولت را به‌صورت سالانه در جدول لوابیح بودجه سنواری درج نماید.</p> <p><b>ج-</b> ایجاد هرگونه تعهد مالی بدون تأمین اعتبار مورد نیاز برای صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ای، شهرداری‌ها و سایر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی ممنوع است.</p>	<p>ماده ۱۸</p>

متن ماده	شماره ماده
<p><b>طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای</b></p> <p>به‌منظور ساماندهی طرح‌های عمرانی، کاهش زمان اجرای آنها و ارتقای بهره‌وری منابع اختصاص یافته به این بخش اقدامات زیر انجام می‌شود:</p> <p><b>الف-</b></p> <p>۱- در اجرای بند (۳) سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم دولت مکلف است نسبت به تعیین تکلیف طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از طرق مختلف از جمله مشارکت عمومی خصوصی در چهارچوب ماده (۲۰) این قانون و با رعایت سایر قوانین و مقررات مطابق آیین‌نامه‌ای که توسط سازمان تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، اقدام نماید.</p> <p>۲- دستگاه‌های اجرائی نسبت به واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و استانی و انتفاعی و یا قابل واگذاری و یا قابل مشارکت با بخش عمومی یا خصوصی یا تعاونی مطابق قراردادهای نمونه ابلاغی سازمان اقدام نمایند.</p> <p>ب- شروع ساخت طرح‌ها یا زیرطرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و افزایش حجم طرح‌های دارای مجوز ماده (۲۳) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) بدون اخذ مجوز ماده مزبور ممنوع و به منزله تصرف غیرقانونی در اموال عمومی است.</p> <p>همچنین تأمین اعتبار برای کلیه طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سایر جداول بودجه از جمله جدول متفرقه منوط به اخذ مجوز ماده (۲۳) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) و انتقال به پیوست (۱) می‌باشد.</p>	ماده ۱۹

متن ماده	شماره ماده
<p>دستگاه‌های اجرائی مکلفند با همکاری سازمان، طرح‌های جدید، نیمه‌تمام و آماده بهره‌برداری و در حال بهره‌برداری تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و طرح‌های سرمایه‌های خود که قابل مشارکت با بخش خصوصی و تعاونی است را مشخص و از طریق روش رقابتی و شفاف مناقصه یا مزایده با رعایت موارد زیر اجرا نمایند:</p> <p><b>الف-</b> بهای محصول طرح (پروژه) در قرارداد سرمایه‌گذاری و مشارکت تابع الگوی مالی قرارداد مشارکت بوده و از شمول تعرفه‌گذاری مندرج در تمامی قوانین و مقررات مستثنی است. در صورت تعیین قیمت تکلیفی، دخالت در تعرفه‌گذاری یا جلوگیری از دریافت تعرفه برای بهای محصول طرح (پروژه) مابه‌التفاوت قیمت محصول محاسبه‌شده بر مبنای الگوی مالی و قیمت تکلیفی از سرجمع اعتبارات دستگاه اجرائی با محاسبه خسارات مربوط پرداخت می‌شود، در غیر این صورت در حکم تصرف غیرمجاز در اموال سرمایه‌گذار است.</p> <p><b>ب-</b> راهبری و مسئولیت مشارکت عمومی - خصوصی بر عهده سازمان است. در مورد تعهدات بودجه‌ای قراردادهای مشارکت که پیش‌تر به تأیید سازمان رسیده و طرف مقابل به‌طور کامل تعهد خود را انجام داده باشد، دستگاه اجرائی مربوط مکلف است به همان میزان تعهد خود را عملی نماید.</p> <p><b>پ-</b> درآمدهای طرح (پروژه) در قرارداد سرمایه‌گذاری و مشارکت، از مشوق‌های مالیاتی مقرر در اجزای (۱) و (۲) بند «ث» ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم موضوع ماده (۳۱) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ برخوردار بوده و آورده نقدی برای تأمین مالی طرح (پروژه) اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول معافیت ماده (۱۲۸) مکرر) قانون مالیات‌های مستقیم الحاقی ۱۳۹۴/۲/۱ می‌شود. طرح‌های موضوع «قانون احداث پروژه‌های عمرانی بخش راه و ترابری از طریق مشارکت بانک‌ها و سایر منابع مالی و پولی کشور مصوب ۱۳۶۶/۸/۲۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی» نیز مشمول این حکم هستند.</p> <p><b>ت-</b> صدور مفاصاحساب توسط سازمان تأمین اجتماعی برای حق بیمه کارکنان شاغل در دوران بهره‌برداری در قراردادهای مشارکت مشمول ماده (۴۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور می‌باشد.</p> <p><b>ث-</b> دستگاه اجرائی ذی‌ربط می‌تواند برای تجاری‌سازی و اعطای مشوق برای توجیه مالی طرح‌های مشارکتی، نسبت به استفاده از سازوکارهای تشویقی از قبیل اعطای یارانه سود تسهیلات و خرید تضمینی محصولات که به‌موجب آیین‌نامه‌ای که توسط سازمان تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، با رعایت بند «ت» ماده (۱۸) این قانون اقدام نماید.</p> <p><b>ج-</b> تا سقف ده درصد (۱۰٪) از سرجمع اعتبارات طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای یا طرح‌های سرمایه‌ای مربوط به هر دستگاه اجرائی با درخواست آن دستگاه و تأیید سازمان، صرف مشارکت در زیرطرح (پروژه)‌های همان دستگاه و همان فصل در بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی می‌شود.</p> <p><b>چ-</b> دستگاه‌های اجرائی مجازند با رعایت سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی نسبت به عقد قراردادهای بهره‌برداری بلندمدت از زیرساخت‌های تکمیل‌شده و همچنین طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و طرح‌های سرمایه‌ای آماده بهره‌برداری و در حال بهره‌برداری مشروط به عدم تغییر کاربری آن اقدام نمایند.</p> <p><b>ح-</b> سازمان مجاز است از خدمات مشاوران ذی‌صلاح برای بررسی طرح‌های دارای توجیه فنی اقتصادی، زیست‌محیطی و پدافند غیرعامل و نظارت بر اجرای طرح‌ها استفاده نماید.</p> <p><b>خ-</b> در صورتی که خیرین با پیشنهاد دستگاه اجرائی ذی‌ربط و موافقت سازمان، طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای را اجرا یا تکمیل نمایند و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) به جای اعتبارات دولتی در این طرح‌ها هزینه نمایند، از اعتبار مالیاتی حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) و حداکثر پنجاه درصد (۵۰٪) هزینه‌ای که انجام داده‌اند، برخوردار می‌شوند.</p> <p>در مورد طرح (پروژه)‌هایی که حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) آن به‌صورت خیرساز انجام شده و مابقی آن در تعهد دولت است، چنانچه خیر طرح را با موافقت دستگاه و سازمان به اتمام برساند، هزینه انجام‌شده، به‌طور صددرصد (۱۰۰٪) به عنوان دیون و اعتبار مالیاتی محسوب می‌گردد.</p> <p>آیین‌نامه اجرائی این بند شامل طرح (پروژه)‌های مشمول، زمان‌بندی اجرائی و میزان برخوردارگی از اعتبار مالیاتی با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان به‌تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</p>	<p>ماده ۲۰</p>



متن ماده	شماره ماده
<p>به منظور نظم‌بخشی به تعهدات و تأدیه بدهی‌های دولت اقدامات زیر انجام می‌شود:</p> <p><b>الف-</b> ایجاد هرگونه بدهی یا تعهد توسط دستگاه‌های اجرائی صرفاً با رعایت شاخص پایداری بدهی‌های دولت منوط به تأیید سازمان است. سقف مانده بدهی دولت و شرکت‌های دولتی با احتساب بدهی به صندوق توسعه ملی در طول سال‌های اجرای برنامه حداکثر چهل درصد (۴۰٪) از تولید ناخالص داخلی است که سهم بدهی دولت حداکثر هجده واحد درصد این سهم می‌باشد. دولت مکلف است سقف مجاز صدور تضمین‌نامه‌ها و تعهدنامه‌های صادرشده به عهده خود را در لوایح بودجه سالانه تعیین نماید و گزارش آن را هر شش ماه یکبار به مجلس ارسال نماید. سازمان مکلف است تعهدات هر سال دولت را در سقف لوایح بودجه سنواتی درج نموده و برای تأدیه آن منابع لازم را پیش‌بینی نماید. تبصره- آن بخش از بدهی‌های دولت که به‌صورت اوراق مالی اسلامی ایجاد شود با ضریب هفت دهم (۰/۷) در محاسبات سقف بدهی منظور می‌شود.</p> <p><b>ب-</b> پذیرش بدهی‌های قطعی بر عهده دولت در موارد اختلاف، منوط به طی مراحل رسیدگی و حسابرسی ویژه مطالبات ادعایی اشخاص از دولت و ارائه شناسه تعهد دولت از سازمان است.</p> <p><b>پ-</b> دستگاه‌های اجرائی مکلفند اطلاعات مورد نیاز وزارت امور اقتصادی و دارایی را برای سنجش پایداری بدهی بخش عمومی ارائه نمایند.</p> <p><b>ت-</b> وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است بدهی معوق به پیمانکاران طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و استانی را تا پایان سال اول برنامه منوط به رضایت آنان به اوراق بهادار تبدیل نموده و برای آنها جریان نقدی با سررسید مشخص تعیین کند. این اوراق با سررسید حداکثر پنج‌ساله بر اساس برنامه‌ای که وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌کند به تدریج تا پایان برنامه، قابل معامله در بازار سرمایه خواهد شد.</p> <p>وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است هر شش ماه یکبار گزارش عملکرد این بند را به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و اقتصادی مجلس ارسال نماید.</p> <p><b>ث-</b> سازمان نسبت به پرداخت بدهی‌های حسابرسی‌شده قانونی دولت به شهرداری‌ها، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان تأمین اجتماعی و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء تا پایان برنامه، اقدام قانونی به عمل آورد. هرگونه تکلیف جدید به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها که منجر به افزایش هزینه شود و هرگونه معافیت و کاهش درآمد بدون تأمین منابع مالی آن ممنوع است.</p>	ماده ۲۴



شماره ماده	متن ماده
ماده ۲۵	<p>به منظور ساماندهی و افزایش کارایی و اثربخشی شرکت‌های دولتی و تسریع در واگذاری شرکت‌های قابل واگذاری اقدامات زیر انجام می‌شود:</p> <p><b>الف-</b> به دولت اجازه داده می‌شود دارایی‌های ثابت شرکت‌های دولتی دارای زیان انباشته موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی و دارای زیان انباشته را که صددرد (۱۰۰٪) سهام آنها متعلق به دولت یا متعلق به شرکت‌های دولتی هستند، تا پایان سال دوم برنامه یکبار مورد تجدید ارزیابی قرار دهد. سهم دولت از مبالغ حاصل تجدید ارزیابی شرکت‌های دولتی یاد شده معاف از پرداخت مالیات بوده و باید حسب مورد به حساب افزایش سرمایه دولت یا شرکت دولتی سهامدار در شرکت‌های دولتی یاد شده موضوع این بند واریز شود. وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است آیین‌نامه اجرائی این بند مشتمل بر چگونگی استهلاک دارایی‌های ثابت استهلاک‌پذیر تجدید ارزیابی شده را ظرف سه‌ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه کند و به تصویب هیأت وزیران برساند.</p> <p><b>ب-</b> شرکت‌های دولتی مکلفند تمامی طرح‌ها و زیرطرح (پروژه)‌های سرمایه‌گذاری از محل منابع داخلی خود موضوع ماده (۸۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ را که مبلغ سرمایه‌گذاری آن بیش از شصت برابر سقف نصاب معاملات متوسط باشد، برای یکبار قبل از شروع به تأیید شورای اقتصاد برسانند.</p> <p><b>پ-</b> دولت مکلف است تا پایان سال اول برنامه با رعایت تبصره (۷۲) دائمی قانون بودجه سال ۱۳۵۲ اصلاحی ۱۳۷۹/۱۱/۳۰ نسبت به بازنگری در ترکیب اعضای نمایندگی سهام خود در مجامع عمومی شرکت‌های دولتی و شرکت‌هایی که دولت در آنها سهام مدیریتی یا کنترلی دارد با رویکرد رفع تعارض منافع اقدام قانونی لازم را انجام دهد.</p> <p><b>ت-</b> چهارچوب پاداش سالانه قابل پرداخت به مدیرعامل، اعضای هیأت مدیره، اعضای هیأت عامل، مدیران شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و شرکت‌هایی که دولت به نحوی در آنها سهام مدیریتی یا کنترلی دارد، مؤسسات اعتباری و بیمه‌ها با در نظر گرفتن اندازه و پیچیدگی فعالیت آنها و نیز معیارهایی نظیر میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، سوابق تجربی و مدیریتی و کارآمدی و بهرهوری با رعایت قوانین توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری سازمان تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. حداکثر سقف پاداش یک‌ماه حقوق و مزایای قانونی می‌باشد.</p>

منبع: قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران.

## ۶- راهکارهای مهار تورم

با توجه به نکات فوق به خصوص در مورد علل تورم دیگر نمی‌توان به راحتی گفت با کنترل نقدینگی می‌توان تورم را کنترل کرد چون در شرایط بی‌ثباتی ارزی خود نقدینگی معلول و نه علت است. می‌توان تورم ایران را با توجه به نیروهای اثرگذار بر آن به ترتیب به سه بخش تورم مبتنی بر فشار هزینه، تورم مبتنی بر جاذبه تقاضا و تورم ساختاری تقسیم کرد و پیشنهادها را نیز متناسب با آن ارائه نمود. **نکته قابل ذکر این است که با توجه به فشارهای وارده بر اقتصاد ایران به واسطه تحریم و انتظارات منفی و آسیب شدید تولید و سرمایه‌گذاری و از طرفی توفیق نه چندان موفق سیاست‌های کنترل نقدینگی و تبعیت بیشتر تورم از فشارهای وارده بر بخش عرضه، بهتر است در شرایط تحریم چندان روی سیاست‌های انقباضی شدید به خصوص در مورد اعتبارات و تسهیلات تمرکز نمود و سعی نمود به جای آن با مدیریت تورم و**

ثبات تورم، تولید را به حرکت درآورد.

سیاست‌های پیشنهادی که در ادامه می‌آید اگرچه می‌تواند تورم پایدار اقتصاد ایران که در شرایط غیرتحریمی نیز برقرار بوده را کنترل و کاهش دهد ولی در شرایط فعلی در بهترین حالت اندکی (در نهایت بین ۵ تا ۱۰ درصد) می‌تواند تورم را کاهش دهد و اصرار بیش از حد بر آنها می‌تواند رکود را بر بخش تولید و سرمایه‌گذاری غالب کند و این در حالی است که تحمل تورم برای عوامل اقتصادی و به خصوص قشر ضعیف جامعه راحت‌تر از تحمل بیکاری است.

در شرایط غیرتحریمی سیاست‌هایی که در ادامه می‌آید می‌تواند میانگین تورم بلندمدت اقتصاد ایران را کاهش دهد و سطح تورم پایدار تک رقمی را برای اقتصاد ایران به ارمغان بیاورد.

## ۶-۱- مدیریت انتظارات و نرخ ارز

مدیریت انتظارات از اهمیت بالایی در کنترل تورم برخوردار است، به خصوص برای مدیریت شوک‌های ارزی، زیرا اولین جایی که شوک‌های اقتصادی-سیاسی در آن تخلیه می‌شود، قیمت ارز است. سیاست‌گذاران یک هدف مشخص را طراحی و دنبال می‌کنند اما انتظارات تورمی به سوی دیگری می‌رود و آنچه در نهایت برنده می‌شود همان انتظارات تورمی است.

کنترل انتظارات تورمی مهم‌تر از کنترل تورم است. برای مهار تورم اقداماتی مانند کنترل نقدینگی لازم است اما کافی نیست. جهت حل ریشه‌ای مسئله تورم، قطعاً باید فضای سیاسی تغییر کند تا تورم ۴۰ درصدی در اقتصاد ایران به زیر ۱۰ درصد کاهش یابد. اما اگر بنا به هر دلیلی فضای سیاسی و روابط بین‌المللی کشور بدون تغییر باشد، انتظارات موازی با همان متغیرهای سیاسی پیش خواهد رفت؛ به عنوان مثال اخبار خوب و مثبت حول بهبود روابط ایران با عربستان سعودی، عضویت ایران در بریکس، آزادسازی پول‌های بلوکه شده و غیره در روند شکل‌گیری انتظارات مثبت اثرگذار بوده است. البته چنین اخبار مثبتی چون با اصل حل و فصل مسائل سیاسی کشور به خصوص تحریم‌های بین‌المللی فاصله دارند، اثرگذاری کوتاه‌مدت داشته و صرفاً برای چند روز قیمت دلار را مدیریت می‌کنند.

انتظارات، غالباً از شوک‌های طرف عرضه که مهم‌ترین آن‌ها تحریم است، تبعیت می‌کند. لذا اصلی‌ترین راهبرد جهت کنترل انتظارات تورمی، بهبود قطعی روابط سیاسی با کشورهای قدرتمند اقتصادی است. برنانکی<sup>۱</sup> رییس بانک فدرال رزرو، بر این باور بود که عوامل اقتصادی حتی از کوچک‌ترین حرکت

صورت وی، برداشت‌های منطقی خواهند داشت و ایشان به هنگام خروج از جلسات تصمیم‌گیری بسیار در تغییر چهره صورت محتاط بود.

باید پذیرفت که بدون ثبات سیاسی، کنترل تورم محال و غیرممکن است، چراکه برنامه‌ریزی و عملکرد صحیح مسئولان نهایتاً بتواند ۵ تا ۱۰ درصد از میزان تورم ۳۰ یا ۴۰ درصدی موجود را بکاهد. در مدل‌سازی‌های اقتصادی، مولفه‌ای که نماینده تمام متغیرهای اثرگذار و ثابت است را عرض از مبدأ می‌نامیم که این متغیرهای ثابت را می‌توان متغیرهای سیاسی-اجتماعی و غیره در نظر گرفت. لحاظ کردن فرضیات اشتباه در مدل، مانند ثابت فرض کردن متغیرها و شوک‌های سیاسی-اجتماعی در اقتصادی که دائم با آن مواجه می‌شود، موجب می‌شود که برای تعیین تعادل و مقدار کالا در مدل‌های خرد و برای تعیین تولید کل در مدل‌های کلان، فقط عامل قیمت لحاظ شود، درحالی‌که جایگاه منحنی‌های عرضه و تقاضا ثابت نبوده و دائم در حال تغییر است و بنابراین برآوردهای غلط از وضع اقتصادی حاصل شود. لذا در یک اقتصاد که همواره با شوک‌های اقتصادی مواجه است، حتی اگر اصلاحاتی صورت بگیرد، این اصلاحات کافی نبوده و تنها سرعت افزایش تورم را کند می‌کند یا آن را در یک نرخ بالا ثابت می‌کند و در بهترین حالت شاید چند درصد از آن بکاهد. این موضوع تنها منحصر به ایران نبوده و تجربه جهانی نشان می‌دهد که در جنگ روسیه علیه اوکراین، در طی یکسال تورم کشورهای اروپایی (نماد کشورهای موفق سیاست‌های اقتصادی) از حدود ۲ درصد به حدود ۸ درصد افزایش یافت (افزایش ۴ برابری) در حالیکه در طی همین دوره سیاست پولی اتحادیه اروپا تغییر چندانی نکرده بود. لذا شوک بیرونی عرضه موجب شد که انتظاراتی (انتظارات منفی) نسبت به قیمت حامل‌های انرژی و قیمت مواد غذایی شکل بگیرد و واحد پولی اروپا حدود ۲۰ درصد از ارزش خود را از دست داد و ارزش یورو کمتر از دلار آمریکا شد. مشابه همین تجربه برای ایالات متحده آمریکا نیز اتفاق افتاد.

از لحاظ اقتصاد رفتاری، اگر یک خبر مثبت (به عنوان مثال توافق ایران با آمریکا) اعلام شود به عنوان یک شوک مثبت وارد عمل شده و انتظارات مثبت را به سرعت شکل می‌دهد. در سال ۱۳۹۲ که سیاست پولی بانک مرکزی تغییری نکرده بود با اعلام یک خبر مثبت (احتمال توافق برجام)، انتظارات مردم از وضعیت اقتصادی در آینده نزدیک تغییر مثبت زیادی کرد و این تورم افسارگسیخته را تا حدود زیادی مهار کرد.

در باب اثرگذاری سیاست‌های کنترلی باید اشاره گردد که اجرای سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی تا حدودی موجب مهار تورم می‌گردد و اگر این کنترل اعمال نشود ممکن است که تورم فعلی (حدود ۴۰ درصد) به ۵۰ یا ۶۰ درصد افزایش پیدا کند. اما باید توجه داشت که نباید کنترل تورم را فقط در مهار نقدینگی خلاصه نمود. کنترل نقدینگی شاید بتواند فقط از افزایش بیشتر تورم جلوگیری کند یا در

بهترین حالت بتواند تورم ۴۰ درصدی را حدود ۵ الی ۱۰ درصد کاهش دهد، اما قادر به تک رقمی کردن آن نیست.

کاهش نوسانات ارزی منوط و محدود به مداخلات بانک مرکزی نیست بلکه رفع تحریم‌ها و کاهش نااطمینانی‌های اقتصادی - سیاسی نقش مهم‌تری در ثبات نسبی نرخ ارز در میان مدت و بلند مدت دارد. اتخاذ سیاست پولی بر اساس شناسایی تکانه‌های اصابت شده و مشروط به شرایط است. اگر حکمرانی اقتصادی ضعیف و نارسا و محیط اقتصاد سیاسی برای ایجاد ثبات نامساعد باشد، ابزارهای سنتی سیاست پولی کارایی بالایی برای مقابله با تورم ناشی از تحریم‌ها و مختل شدن زنجیره تأمین کالا ندارند.

پس مهم‌ترین اقدام برای کنترل تورم، رفع تحریم‌ها و کنترل نوسانات ارزی است و سایر اقدامات در مرحله بعدی است. **حال سوال مهم این است که اگر به هر دلیل امکان رفع تحریم‌ها وجود نداشته چه باید کرد؟** در پاسخ باید گفت اگرچه در شرایط فعلی مهم‌ترین عامل مدیریت انتظارات تورمی و شوک‌های ارزی تحریم‌ها و منازعات سیاسی است اما می‌توان با برخی اقدامات به شرح زیر، انتظارات و نرخ ارز را تا حدودی مدیریت نمود:

- پرهیز از اظهارنظرهای جنجالی در حوزه سیاست خارجی و بازار ارز
- اعتمادسازی و اطمینان بخشی به مردم در مورد آینده اقتصادی کشور
- اجتناب از تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای و شوک‌آور
- اطلاع‌رسانی دقیق از تصمیمات دولت
- تسهیل صادرات و رفع موانع تجاری
- تسهیل و تشویق ورود ارز حاصل از صادرات
- افزایش هزینه سفته‌بازی در بازار ارز
- تسریع در عملیاتی کردن بازار متشکل ارزی
- پیگیری پیمان‌های پولی دوجانبه با شرکای تجاری
- بهره‌گیری جدی از دیپلماسی اقتصادی جهت گسترش روابط اقتصادی با تأکید بر صادرات.

در کنار آن مسائلی مانند اعمال انضباط مالی، اصلاحات در راستای سلامت بانکی و به تبع آن کنترل کل‌های پولی که در بخش بعدی مبسوط به آن پرداخته می‌شود، نیز تا حدودی می‌تواند در مدیریت انتظارات و لنگر کردن انتظارات نقش داشته باشد. البته به جد باید متذکر شد که این اقدامات از شتاب

تورم جلوگیری کرده و احتمالاً آن را ثابت و در بهترین حال تورم را چند درصد کاهش می‌دهد.

## ۶-۲- کنترل پول و نقدینگی

در فوق اشاره شد که تورم فعلی اقتصاد ایران ناشی از منازعات سیاسی و تحریم است و حل آن نیز از این دریچه امکان‌پذیر است، اما اگر امکان حل وجود نداشته باشد با برخی سیاست‌های کنترلی می‌توان از فشار وارده کاست و تورم را تا حدودی مدیریت کرد که در بهترین حالت تورم را بین ۵ تا ۱۰ درصد کاهش خواهد داد. البته در متن نیز اشاره شد که بخشی از تورم کشور به شرایط تحریمی فعلی برنمی‌گردد و از دیر باز به دلیل برخی مشکلات در نظام پولی و مالی کشور تحقق می‌یابد که با برخی سیاست‌ها به شرح زیر می‌توان این بخش از تورم را مدیریت کرد:

- اعطای ذخایر مورد نیاز شبکه بانکی صرفاً از طریق عملیات بازار باز یا پرداخت تسهیلات قاعده‌مند،
- تسویه بخشی از بدهی دولت به بانک‌ها،
- افزایش سهم تأمین مالی شرکت‌های دولتی از مسیر انتشار اوراق بهادار شرکتی،
- پایان دادن به چاپ پول و قرض گرفتن دولت و وثیقه‌دار کردن هرگونه استقراض جدید بانک‌ها از بانک مرکزی از طریق اوراق بدهی،
- نظارت بر پرداخت تسهیلات کلان بانک‌ها و جلوگیری از حدود مجاز مقرر در دستورالعمل‌های مربوطه،
- بازنگری و قاعده‌مندسازی امهال تسهیلات بانکی،
- تسهیل وصول مطالبات معوق،
- هدایت جریان‌های نقدی کشور به‌ویژه منابع بانک‌ها به سمت فعالیت‌های خصوصی و مولد غیررانتی،
- ارزیابی کیفیت دارایی بانک‌ها و طبقه‌بندی بانک‌ها براساس نسبت کفایت سرمایه و میزان اضافه برداشت،
- افزایش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها بدون اتکا به منابع بانک مرکزی از طریق: افزایش سرمایه بانک‌ها، بازپرداخت بدهی بخش دولتی به بانک‌ها و فروش دارایی‌ها و اموال مازاد بانک‌ها
- تقویت نظارت بر ترازنامه بانک‌ها و پیشگیری از خلق بی‌قاعده پول اعتباری،

- تأمین کسری بودجه به روش‌های غیر پولی مانند انتشار اوراق قرضه دولتی،
- سیاست‌های مالی در جهت کاهش معوقات دولتی و اجتناب از معوقات جدید،
- واگذاری طرح‌های نیمه تمام موجود (انتفاعی) به بخش غیردولتی با اولویت بازار سرمایه،
- اجتناب از افتتاح پروژه‌های جدید (به استثناء طرح‌های زیر ساختی) و اولویت دادن به طرح‌های عمرانی دارای پیشرفت فیزیکی بالای ۸۰ درصد،
- واگذاری سهام دولت به انواع روش‌ها شامل فروش خرد، بلوکی و ETF.

### ۶-۳- اصلاحات ساختاری

اما همانطور که در پیش اشاره شد بخشی از تورم ایران ریشه ساختاری دارد که یا به نظام مالی و بانکی بر می‌گردد یا به سایر ویژگی‌های اقتصادی. اهم این اصلاحات به شرح زیر است. البته مجدد باید متذکر شد که این‌ها نمی‌تواند تورم فعلی کشور را چندان حل نماید اما برای ثبات بخشی بلندمدت و کاهش نسبی تورم مفید خواهد بود. تورم فعلی نخست ریشه در تحریم و شوک‌های ارزی دارد.

#### • اصلاح نظام بانکی:

- اصلاحات نهادی در جهت استقلال بیشتر بانک مرکزی،
- تصمیم‌گیری جدی در خصوص فعالیت بانک‌های شدیداً ناسالم،
- کنترل و نظارت بر موسسه‌های مالی غیر بانکی،
- اعمال رتبه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی در اعطای اعتبارات.

#### • اصلاح ساختار بودجه:

- کوچک‌سازی واقعی دولت،
- اصلاح نظام بودجه‌ریزی و ایجاد هماهنگی بین منابع و مصارف، و تأمین انضباط و شفافیت بودجه
- اصلاح نظام مالیاتی، با تأکید بر گسترش پایه مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی و حذف معافیت‌های موقت مالیاتی و اجتناب از بخشودگی‌های غیرمنطقی و غیربهبینه مالیاتی،
- افزایش انضباط مالی در شرکت‌های دولتی و تعطیل کردن بنگاه‌های دولتی ناکارآمد،

- اصلاح ناترازی صندوق‌های بازنشستگی،
- صرف درآمدهای نفتی و سایر درآمدهای منابع طبیعی در اختیار دولت برای امور زیرساختی و برنامه‌ای.

• رفع انحصارات:

- رفع انحصارات در بازارهای مختلف از جمله خودرو، ...
- مدیریت واردات برای کنترل و شکستن انحصارات.

۶-۴- جلوگیری از شوک درمانی‌ها

جدای از اینکه قیمت حامل‌های انرژی یا ارز مناسب و منطقی هست یا خیر، در این شرایط تورمی پرهیز از شوک‌درمانی‌ها اهمیت زیادی دارد زیرا می‌تواند منجر به ابرتورم شود. در حال حاضر بدون شوک درمانی، تورم رقم قابل توجهی دارد و حال آنکه شوک‌درمانی‌ها می‌تواند جهش‌های قابل توجه را ایجاد کند و نرخ تورم را به فراتر از نرخ موجود ببرد، بنابراین آنچه باید انجام داد عبارت است از:

- ممانعت از افزایش قیمت حامل‌های انرژی تا زمان برقراری ثبات نسبی قیمتی،
- ممانعت از تغییرات قابل توجه نرخ ارز.

## ۷- جمع‌بندی

در شرایط فعلی اقتصاد ایران دو دیدگاه فکری وجود دارد:

۱. دیدگاه پولی

۲. دیدگاه تأثیرات نرخ ارز بر تورم.

دیدگاه اول پول را علت العلیل می‌داند و استدلال می‌کند که عرضه پول به دنبال خود افزایش قیمت ارز و تورم را دارد و با کنترل نقدینگی می‌توان حتی بر شوک‌های ارزی غلبه کرد. اما دیدگاه دوم پول را معلول نرخ ارز و سایر شوک‌ها دانسته و استدلال می‌کند که در شرایط بی‌ثباتی ارزی و شوک‌های منفی عرضه، بانک مرکزی مجبور به چاپ پول می‌شود و پول همراهی می‌کند. نکته مهم این است که نباید به‌صورت حدی به موضوع نگاه شود که حتماً باید یکی از این دو دیدگاه را قبول کرد. قطعاً بی‌انضباطی پولی همواره و در طی سال‌های گذشته وجود داشته است و عامل بخشی از تورم کشور به خصوص تورم بلندمدت است، اما برای شرایط فعلی شاید بتوان گفت نظریه دوم سازگارتر است. می‌توان گفت علت از شوک‌های منفی به قیمت‌ها و از قیمت‌ها به عرضه پول و پایه پولی است و تصمیمات بانک مرکزی حدود ۵ الی ۱۰ درصد تورم موجود در جامعه را حل خواهد کرد. در این میان شوک منفی نرخ ارز اثرگذاری زیادی بر تورم داشته است؛ در واقع یکی از دلایل مزمن شدن تورم در اقتصاد ایران تأثیرگذاری قابل توجه نرخ ارز بوده است، زیرا همراه با شوک‌های نرخ ارز قیمت‌ها افزایش یافته است و نقدینگی و پایه پولی دنباله‌روی نموده‌اند؛ در نتیجه می‌توان بیان کرد، تورم در ایران صرفاً پولی نیست.

با وجود اینکه نرخ رشد نقدینگی در تمام برنامه‌های تدوین شده زیر ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است اما همواره شاهد نرخ رشد چند برابری آن در اقتصاد می‌باشیم. در واقع زمانی می‌توان تورم را صرفاً در افزایش نقدینگی تحلیل کرد که پول کاملاً فعال بوده و ماهیت برونزا داشته باشد، سرعت گردش پول ثابت و تابع تقاضای پول باثبات باشد، اما در اقتصاد ایران، بخشی از پول منفعل است و جنبه درون‌زایی پول نیز بسیار فعال بوده، سرعت گردش پول سیال بوده و تابع تقاضای پول نیز باثبات نیست. از همین‌رو آنچه در خصوص رشد نقدینگی به ثبت می‌رسد بسیار متفاوت از اهداف برنامه‌ها است. از سوی دیگر موقعی که یک اقتصاد از ناحیه شوک‌های سیاسی مورد هجوم قرار می‌گیرد با متغیرهای اقتصادی نمی‌توان همه ابعاد و اثرات آن را تشریح و مداوا کرد. اگر شوک‌های سیاسی تنها یک یا دو بار اتفاق بیافتد تأثیر کمی خواهد داشت و با راهکارهای اقتصادی می‌توان تا حدود زیادی آن‌ها را خنثی کرد، اما اگر این شوک‌ها همواره و مداوم بر اقتصاد وارد شوند دیگر با راهکارهای اقتصادی نمی‌توان اثرات آن را دفع کرد. شرایط اقتصادی موجود را می‌توان «اقتصاد تریبونی» نامید که صحبت‌های مقامات سیاسی



ایران، اتحادیه اروپا، آمریکا و غیره در پشت تریبون بر اقتصاد و وضعیت موجود بسیار اثرگذار خواهد بود. در پایان باید گفت علت اقتصادی که منجر به شکل‌گیری انتظارات تورمی شده است باید با راهکار اقتصادی رفع گردد و علت سیاسی که منجر به شکل‌گیری انتظارات تورمی شده است باید با راهکار سیاسی رفع گردد، اگرچه هم‌خوانی تصمیمات سیاسی با تصمیمات اقتصادی جهت کنترل تورم و انتظارات تورمی لازم و بلکه ضروری است. فردی که دچار بیماری سرطان است را نمی‌توان با مسکن‌ها درمان کرد هر چند که این مسکن‌ها بهبود موقتی را به فرد القا می‌کند؛ و به همین منوال اقتصادی که دچار بی‌ثباتی سیاسی-اقتصادی و تورم افسارگسیخته است را نمی‌توان با راهکارهای صرفاً اقتصادی (مانند کنترل نقدینگی) درمان کرد. لذا علت‌های سیاسی را باید با دقت تمام مورد توجه قرار داد و برای حل آن چاره‌جویی اساسی کرد.

در شرایط فعلی اجرای سیاست‌های پولی و مالی می‌بایست ثبات تورم و نه چندان کاهش تورم را در الویت قرار دهد و نمی‌توان انتظار داشت با اجرای سیاست‌هایی که در بخش‌های قبلی به تفصیل تشریح شد تورم کاهش قابل توجهی را تجربه کند. اگر تحریم‌ها رفع شود سیاست‌های پیشنهادی مذکور می‌تواند تورم بلندمدت و ماندگار کشور را کاهش داده و آن را به سطوح تک رقمی سوق دهد اما اگر تحریم رفع نشود سیاست‌های مذکور بدون کاهش چندان در تورم بر تولید و سرمایه‌گذاری فشار وارد نموده و کشور هم تورم و هم رکود را تجربه خواهد کرد. بنابراین بهتر است در این شرایط روی رشد اقتصادی و مدیریت و ثبات بخشی به تورم تمرکز کرد تا سیاست‌های انقباضی شدید و تحمیل رکود.

اهم سیاست‌هایی که می‌توان در شرایط فعلی با شدت کم و بعد از رفع تحریم‌ها با شدت زیاد دنبال کرد به شرح زیر می‌باشند:

- مدیریت انتظارات و نرخ ارز
- کنترل پول و نقدینگی
- اصلاحات ساختاری
- اصلاح نظام بانکی



- اصلاح ساختار بودجه

- رفع انحصارات

- جلوگیری از شوک درمانی‌ها

سیاست‌های مذکور اگرچه می‌تواند تورم پایدار اقتصاد ایران که در شرایط غیرتحریمی نیز برقرار بوده را کنترل و کاهش دهد ولی در شرایط فعلی در بهترین حالت اندکی می‌تواند تورم را کاهش دهد و اسرار بیش از حد بر آنها می‌تواند رکود را بر بخش تولید و سرمایه‌گذاری غالب کند.

## منابع

- باستانی فریمان، ایمان و سعید صمدی (۱۳۹۷)، تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انتظارات تورمی ناشی از تحولات سیاسی و تغییرات نقدینگی، سیاست‌گذاری اقتصادی، ۲۰، ۱۳۵-۱۶۱.
- باقرپور اسکویی، الناز و عباس شاکری (۱۴۰۰)، بررسی ماهیت درون‌زایی و برون‌زایی نقدینگی در اقتصاد ایران، نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۸ (۴)، ۱۶۰-۱۲۷.
- جلالی نائینی، احمدرضا (۱۴۰۲)، تورم در اقتصاد ایران: ویژگی‌ها و عوامل ایجاد کننده، همایش چشم‌انداز اقتصاد ایران ۱۴۰۳، تهران: مرکز پژوهش‌های مالی و اقتصادی.
- حسینی، سیدصفر و مریم شکوهی (۱۳۹۴)، بررسی عوامل مؤثر بر تورم با تأکید بر نقش انتظارات گذشته‌نگر و آینده‌نگر، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۵ (۱)، ۲۰۹-۲۲۸.
- زعفرانچی، لیلاداد، جلال منتظری شورکچالی، نرگس اکبرپور روشن (۱۴۰۲)، گزارش همایش ملی مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شاکری، عباس (۱۴۰۲)، ماهیت تورم در اقتصاد ایران، روزنامه شرق: دوشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۲، شماره ۴۵۲۲.
- شاکری، عباس و الناز باقرپور اسکویی (۱۴۰۲)، بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران: رویکرد همدوسی موجکی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۹۴، ۴۷ - ۷۹.
- شاکری بستان‌آباد، رضا، محسن صالحی کمرودی، پریسا پاکروح و زهرا رسولی بیرامی (۱۳۹۹)، تأثیر انتظارات، مازاد نقدینگی و طرف تقاضا بر پویایی تورم در ایران: رهیافت منحنی فیلیپس هایبیریدي نتوکینزی، اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۳۱، ۱۴۷-۱۷۲.
- طاهرپور، جواد (۱۴۰۳)، استخراج علامت و انتظارات تورمی فعالات اقتصادی در بازارها، چاپ شده در کنار اقتصاد در هیاهوی انتظارات، تهران: موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز.
- کمالیان، علیرضا، زهرا زمانی، محمد امیرعلی و مصطفی مبینی دهکردی (۱۳۹۹)، تحلیل تفاوت اثرپذیری تورم از پول درون‌زا و پول برون‌زا: رهیافت تحلیل طیفی، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، ۲۰ (۳)، ۵۷-۷۷.
- عرب‌یار محمدی، جواد و علیرضا عرفانی (۱۳۹۵)، آزمون درون‌زایی پول در اقتصاد ایران، اقتصاد پولی، مالی، ۲۳ (۱۱)، ۱۰۰-۱۲۲.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲)، راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت مهار تورم، شماره مسلسل: ۱۸۹۱۸.



تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مقیسه، محسن، عباس شاکری و فرشاد مؤمنی (۱۳۹۹)، نقد نظریه ضریب فزاینده پایه پولی و برخی دلالت‌های اقتصاد کلان نظریه خلق اعتبار بانکی، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، ۱۱(۲)، ۶۵-۹۶.

هرورانی، حسین، سعید فراهانی‌فرد و امید شریفی (۱۳۹۹)، تاثیر انتظارات تورمی برون‌یابانه بر تورم در اقتصاد ایران: رهیافت رگرسیون کوانتایل، بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۷(۲)، ۳۴۳-۳۶۴.